

گزارشی از نگاه‌های موجود در کتاب «ابوطالب درفش یکتاپرستی»

رسول عطایی^۱

چکیده

صفحات تاریخ دربردارنده سرگذشت بزرگ‌مردی است که تمام هستی‌اش را در راه پیشبرد اسلام نهاد؛ ابوطالب، شخصیتی که گاه جفاکارانه، برخی سخن از کفرش به میان آورده‌اند. در دفاع از حضرت ابوطالب علیه السلام تاکنون بسیار قلم زده‌اند. یکی از این نگاه‌ها کتاب «ابوطالب درفش یکتاپرستی» است. این کتاب نوشته‌هایی از نویسندگان شیعه و سنی را جمع‌آوری کرده که به شخصیت ابوطالب و نقش بی‌بدیل او در اسلام اشاره دارند. در مقاله حاضر، نوشته‌های موجود در این کتاب معرفی و به گزارشی از محتوای آنها پرداخته می‌شود. همچنین، منابع گزارش‌های تاریخی و روایات استفاده‌شده در کتاب مذکور برای مستندسازی گزارش‌ها ذکر شده است.

واژگان کلیدی

ایمان ابوطالب، اسلام ابوطالب، فضائل ابوطالب، حامی پیامبر، تاریخ اسلام

درآمد

درباره شخصیت حضرت ابوطالب علیه السلام و نقش ایشان در اسلام بسیار نگاه‌شده‌اند. یکی از این نوشته‌ها، کتاب ابوطالب درفش یکتاپرستی است. این کتاب مجموعه نگاه‌هایی از نویسندگان شیعه و سنی درباره ایشان و تشریح فعالیت‌ها و نقش ایشان در اسلام است که حسین محمدعلی فاضلی جمع‌آوری و حمیدرضا آذیر آن را به فارسی ترجمه کرده است. گردآورنده بر آن است تا با یادآوری منابع و گزارش‌هایی از اهل سنت و شیعه که بر مسلمان‌بودن ابوطالب تاکید دارند ایمان ایشان را ثابت کند.

۱. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم Taha.ataee@yahoo.com

حسین محمّدعلی فاضلی متولّد عراق است و تحصیلاتش را در ایران آغاز کرد. سپس به دمشق مهاجرت کرد و دروس حوزوی را فرا گرفت. وی سردبیر و صاحب امتیاز مجله المرشد است که نوشته‌های کتاب مذکور در این مجله به چاپ رسیده است. این کتاب پس از پیش‌نوشت مترجم، از ۳۲ بخش تشکیل می‌شود که در هر بخش عنوان نگاشته و نام نویسنده ذکر شده است. ذیل نام نویسندگان گاه به معرفی آنها پرداخته شده و گاهی هم نویسنده نگاشته‌ها معرفی نشده است. نوشته‌های این کتاب، برخی برگرفته از کتاب‌های مستقل و برخی از مقالات مختصرند. کتاب ابوطالب درفش یکتاپرستی در سال ۱۳۹۱ به همت بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی به چاپ رسید. مقاله حاضر محتوای مقاله‌ها و مطالب موجود در این کتاب را گزارش می‌کند. در این مقاله به سبک کتاب مذکور، ابتدا عنوان نوشته و سپس نویسنده و بعد از آن گزارش اجمالی از نگاشته بیان می‌شود. گاه در کتاب، به ارجاع روایات و گزارش‌های تاریخی استفاده شده اشاره‌ای نشده است که در این قسمت‌ها با جست‌وجو در کتب تاریخی و منابع حدیثی فریقین، ارجاع این گزارش‌ها با هدف مستندسازی‌شان آمده است.

نگاشته‌های موجود در کتاب ابوطالب درفش یکتاپرستی

این کتاب مشتمل بر حدود ۳۰ مقاله، ترجمه کتاب و مصاحبه است که به ترتیب معرفی می‌شود.

۱. ابوطالب مردی از فردوسیان، اثر علی فرهاد الکسم

نویسنده این مقاله، علی فرهاد الکسم، نوه علامه شیخ عطاءالله الکسم، مفتی پیشین شام است. او نگاشته‌هایی در موضوعات اسلامی دارد. علی فرهاد در این نوشته به نقش بنیادین حضرت ابوطالب در سرگذشت پیامبر، پاکی و طهارت خاندان پیامبر و همراهی ابوطالب با پیامبر از دوران کودکی اشاره می‌کند. همچنین در نوشته‌اش به گزارش جریان دعای پیامبر برای بهبودی ابوطالب از بیماری می‌پردازد.^۲

۲. یاریگر دین خدا، ابوطالب

نویسنده این اثر معرفی نشده است. این نوشته با شرح حالی از ابوطالب آغاز شده و به نام و نیای او، کنیه، نام مادر، القاب، فرزندان و همسرش اشاره می‌کند. سپس به سرپرستی و عهده‌داری ابوطالب از پیامبر پرداخته و در ادامه ویژگی‌ها و جایگاه اجتماعی و افتخارات ابوطالب را ذکر می‌کند. نگارنده سپس به همراهی ابوطالب با پیامبر و خواستگاری ابوطالب از خدیجه برای پیامبر اشاره کرده، خطبه ابوطالب^۳ در این خواستگاری را گزارش می‌کند. او در ادامه به حمایت‌های ابوطالب از پیامبر در

۲. تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۳۷۷.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۷.

مقابل قریش اشاره و اشعاری از ابوطالب ذکر می‌کند که در آنها فرزندان خود را به همراهی با پیامبر تشویق کرده است. همچنین، گزارش‌هایی از مواضع استوار ابوطالب در دفاع از پیام‌آور اسلام، بیان و قصیده‌ای از ابوطالب خطاب به قریش در این زمینه نقل می‌کند.

نویسنده در ادامه به دفاع ابوطالب از عثمان بن مظعون تازه‌مسلمان در برابر آزار قریش و ستایش ابوطالب از نجاشی پادشاه حبشه اشاره می‌کند و همراهی و حمایت ابوطالب در سال‌های تحریم ظالمانه مسلمانان از جانب قریش را یادآور می‌شود. در پایان نیز به مشاعرهای اشاره می‌کند که بین ابوطالب و فرزندش حضرت علی علیه السلام درباره حمایت و یاری از پیامبر شکل گرفت.

۳. مهم‌ترین مطالب درباره رهایی ابوطالب از دوزخ، اثر زینی دحلان

اسنی المطالب فی نجاته ابی‌طالب نوشته سید احمد بن زینی دحلان شافعی، مفتی و پیشوای عالمان و شیخ خطیبان شافعی مکه است که در محرم ۱۳۰۴ق از دنیا رفت. وی نگاهشده‌های متعددی در موضوعات مختلف دارد که از آن جمله کتاب اسنی المطالب فی نجاته ابی‌طالب است. این کتاب خلاصه‌ای از کتاب اسنی المطالب فی ایمان ابی‌طالب نوشته محمد بن رسول برزنجی است؛ چنانچه نگارنده خود در ابتدای کتاب به این مطلب اشاره می‌کند. احمد بن زینی دحلان، کتاب برزنجی را متشکل از سه بخش می‌داند؛ ابتدا به اثبات ایمان ابوطالب می‌پردازد، پس از آن رهایی او از دوزخ را بیان می‌کند و در این میان گزیده‌ترین سخنان محققان را بازگو می‌کند. وی در ابتدای نگاهشده‌اش به تعریف مفهوم «ایمان» می‌پردازد و در این زمینه روایتی از پیامبر نقل می‌کند. پس از آن مجوزهایی را برای کتمان ایمان برمی‌شمرد، همچون ترس از ظالم بر نفس خویش یا آزار رساندن به فرزندان و خویشان. سپس می‌گوید خودداری ابوطالب از پیروی ظاهری پیامبر به سبب هراس از رسیدن گزند به برادرزاده‌اش حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود. وی، به نقل از برزنجی، متذکر اختلاف علما در مسمای ایمان می‌شود که آیا گفتن شهادتین بخشی از مسمای ایمان است یا صرفاً شرط اجرای احکام دنیوی آن است. همچنین، اختلاف علما در الفاظ شهادتین را یادآور می‌شود.

[ایمان ابوطالب]

نگارنده در این بخش به گزارش سخن برزنجی درباره ایمان ابوطالب و اخبار رسیده در این باب می‌پردازد. محبت ابوطالب به پیامبر، کمک و یاری ایشان، تصدیق سخنان آن حضرت و دستور به فرزندان خود، حضرت علی علیه السلام و جعفر، در پیروی از رسول خدا و سروده‌های ابوطالب را گواه باور ابوطالب درباره پیامبر می‌داند و ابیاتی از ابوطالب در این باره نقل می‌کند:

۴. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۲۳۹.

الم تعلموا أنّا وجدنا محمدًا رسولاً كموسى صخّ فى أوّل الكتب^۵
توصیه قریش به پیروی از پیامبر ﷺ و سفارش‌های مؤکد ابوطالب به بنی‌هاشم و قریش و گزارش وصیت مفصل ابوطالب قبل از مرگ به قریش از قرائن ایمان ابوطالب در این نگاه‌ها دانسته شده است.

[محدث بودن ابوطالب]

یکی از دلایلی که نویسنده گواه بر ایمان و توحید ابوطالب می‌داند احادیثی است که ابوطالب از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده است، از جمله حدیثی که خطیب بغدادی به اسناد خود از امام صادق علیه السلام و ایشان از اجداد خود از حضرت علی علیه السلام روایت کرده که ابوطالب فرمود:

برادرزاده‌ام محمد به من حدیث کرد و به خدا بسی راست‌گو

است.^۶

وی همچنین به نقل از ابن‌سعد، خطیب بغدادی و ابن‌عساکر گزارش‌های دیگری از ابوطالب نقل می‌کند. احمد بن زینی درباره سخنان ابوطالب وقتی از وی درباره ایمانش پرسیدند و او پاسخ داد: «دشنام و ننگ بر من اگر چنین باد.»^۷

می‌نویسد:

او [ابوطالب] این سخن را از سر پوشش نهادن و نهان داشتن

اسلام خود می‌گفت.

[توصیه به فرزندان]

از شواهدی که زینی دحلان از برزنجی در اثبات ایمان ابوطالب نقل می‌کند توصیه ابوطالب به فرزندان خویش (حضرت علی علیه السلام و جعفر) برای حمایت از پیامبر و پیوستن به اوست. وی در این باره می‌نویسد:

اگر ابوطالب دین محمد را باور نداشت راضی نمی‌شد دو پسرش

همراه پیامبر باشند و با او نماز بگذارند.

۵. السیرة النبویة، ج ۲، ص ۴.

۶. اسنی المطالب فی نجاه ابی طالب، ص ۴۸؛ الاصابه، ج ۷، ص ۲۰۳؛ الحجة علی الذاهب، ص ۱۳۵.

۷. اسنی المطالب فی نجاه ابی طالب، ص ۵۱.

نگارنده پس از آن اخباری نقل می‌کند که به گفته او صراحت در ایمان ابوطالب دارد. این اخبار به همراهی پیامبر با ابوطالب در سفر شام و توصیه یحیرای ترسا درباره پیامبر و درخواست دعای باران ابوطالب از پیامبر و همراهی پیامبر از کودکی با ابوطالب و محبت شدید ابوطالب به پیامبر اشاره دارد.^۸

[حمایت از پیامبر و کمک به او در شعب ابوطالب]

نویسنده حمایت‌های بی‌دریغ ابوطالب از پیامبر در شعب ابوطالب و نقش ابوطالب در رساندن پیغام پیامبر راجع به از بین رفتن عهدنامه توسط موریانه و قراردادادن فرزندان خود در بستر پیامبر در شعب برای حفظ جان ایشان را دلایلی بر ایمان استوار ابوطالب می‌داند.

[اشعار ابوطالب]

یکی از دلایلی که زینی دحلان شاهد بر ایمان ابوطالب می‌داند سروده‌های اوست. به نظر وی، بسیاری از سروده‌های ابوطالب به پیامبری پیامبر تصریح دارد. درباره اشعار ایهام‌دار و دوپهلوی ابوطالب نیز، که از آنها گمان همراهی وی با قریش برده می‌شود، می‌گوید اینها همه فریبی بیش نبود تا بتواند پیامبر را چنان که باید پاس بدارد. از سروده‌های وی که گواه تصدیق پیامبری پیامبر دانسته شده این شعر است:

الم تعلموا انا وجدنا محمدًا نبیًا کموسی، صح ذلك فی الکتب^۹

ابوطالب این شعر را به هنگام محاصره در شعب ابوطالب سرود. از دیگر اشعار ابوطالب که شاهد ایمان اوست این بیت است:

و شقّ له من اسمه لیجلّه فذو العرش محمود و هذا محمد^{۱۰}

زینی دحلان، به نقل از برزنجی، می‌گوید با این اخبار و اشعار ثابت شد که ابوطالب پیامبری پیامبر را تصدیق کرده و همین برای رهایی او از دوزخ کافی است. از قرائن و شواهدی که در این نوشته به نقل از برزنجی گواه ایمان ابوطالب دانسته شده، مشمول شفاعت قرار گرفتن ابوطالب است. زینی دحلان می‌گوید: هیچ‌گاه از طریق صحیح روایت نشده است که ابوطالب بتی را به خدایی گرفته یا سنگی را پرستیده یا پیامبر را از پرستش خدایش باز داشته باشد.

۸. اسنی المطالب فی نجاته ابی‌طالب، ص ۵۲-۵۴.

۹. السیرة النبویة، ج ۲، ص ۴.

۱۰. الاصابة، ج ۷، ص ۲۳۵.

احمد بن زینی سپس ذیل آیات «وَتَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ»^{۱۱} و «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي»^{۱۲} و «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ»^{۱۳} احوال، دیدگاه‌ها و روایاتی را از رازی، ماوردی، ابن سعد، طبرانی، ابونعیم، ابن منذر، ابن عباس، مجاهد، احمد، بخاری و ... ذکر می‌کند که به یکتاپرستی همه نیاکان پیامبر اشاره دارند، از آن جمله این روایت از پیامبر است:

هرگز من از آن هنگام که از پشت آدم برون آمدم از سرکشی زاده نشدم و ملت‌های بزرگ در پی هم بر سر من با هم کشمکش داشتند تا آنکه از دو تیره برتر عرب، یعنی هاشم و زهره، زاده شدم.^{۱۴} وی پس از این حدیث به دنبال اثبات آیین توحیدی عبدالمطلب می‌رود و اعتقاد عبدالمطلب به سرای دیگر را نشان‌دهنده ایمان وی به روز رستاخیز و تابش نور الاهی به دل عبدالمطلب می‌داند. همچنین، اشعار و وقایع تاریخی درباره شخصیت عبدالمطلب را نقل می‌کند. از آن جمله به ماجرای اصحاب فیل و به سقایت عبدالمطلب برای حاجیان اشاره کرده، گزارش‌هایی از توجه و عنایت خاص عبدالمطلب به پیامبر نقل می‌کند.

[نقل سخن علما درباره ابوطالب]

نویسنده در ادامه به سخنان علما و دانشمندان درباره ایمان ابوطالب اشاره می‌کند. وی به نقل از محمداً بن سلامة قضاعی در کتاب شهاب الاخبار از ابن‌وحشی نقل می‌کند که کین‌ورزی به ابوطالب کفر است.^{۱۵} احمد بن زینی در تایید تحقیق برزنجی درباره رستگاری ابوطالب به تعدادی از علما اشاره می‌کند که در رستگاری ابوطالب هم‌سخن‌اند، همچون قرطبی، سبکی و شعرانی، سبط ابن جوزی، سیوطی و تلمسانی. همچنین، نقل می‌کند که گروهی از علمای اهل سنت، کینه‌ورزی نسبت به ابوطالب را کفر می‌دانند. نویسنده همچنین در اثبات ایمان ابوطالب به روایتی از حضرت علی علیه السلام در مقابل سپاه شامیان استدلال می‌کند که حضرت در این روایت ابوطالب را در مقابل ابوسفیان قرار دادند.^{۱۶} نگارنده اعتراض نکردن شامیان به حضرت علی علیه السلام را نشانه ایمان ابوطالب می‌داند و می‌گوید اگر ایمان نداشتن ابوطالب در میان صحابه آوازه می‌داشت، بی‌گمان علی را به آن نكوهش می‌کردند. در پایان، گواهی علی علیه السلام و فرزندان ایشان در کنار منابع شیعه و سنی را دلیل بر ایمان حضرت ابوطالب می‌شمرد.

نگارنده در پایان مجدداً متذکر می‌شود که این سخنان، چکیده سخنان برزنجی درباره رستگاری ابوطالب و عبدالمطلب بوده است.

۱۱. الشعراء: ۲۱۹.

۱۲. ابراهیم: ۴۰.

۱۳. الزخرف: ۲۸.

۱۴. اسنی المطالب فی نجاته ابی‌طالب، ص ۱۰۵.

۱۵. اسنی المطالب فی نجاته ابی‌طالب، ص ۱۱۲.

۱۶. نهج البلاغة، نامه ۱۷.

۴. رستگاری ابوطالب، اثر سید حسن بن علی السقاف

نویسنده این کتاب، سید حسن بن علی السقاف، زاده اردن و تحصیل کرده دمشق است. او حدود ۸۰ تالیف در زمینه‌های فقه، توحید، نقد و ردّ سلفی‌ها و ... دارد. از نگاهش‌هایش می‌توان بهجة الناظر فی التوسل بالنبی الطاهر و حواشی او بر کتاب اسنی المطالب احمد بن زینی دحلان را نام برد. سقاف ابتدا با اشاره به همراهی ابوطالب با پیامبر و پشتیبانی از وی و ستایش پیامبر در اشعار ابوطالب می‌گوید: آیا معقول است چنین شخصی ایمان نیاورده باشد؟ پس از آن اخباری درباره ابوطالب و دفاع او از پیامبر و اسلام، و یاریگری‌های وی نقل می‌کند. وی باورمندان به کفر ابوطالب را نیز معترف به یاری‌رساندن وی به پیامبر خدا می‌داند و در این زمینه روایاتی نقل می‌کند. سپس، در ادامه به ستایش پیامبر در سروده‌های ابوطالب اشاره و این شعر را می‌آورد:

وَ اَبِيضٌ يَسْتَسْقَى الْعَمَامُ بِوَجْهِهِ ثِمَالُ الْيَتَامَى عِصْمَةٌ لِلْارَامِلِ^{۱۷}

سقاف با اشاره به حزن و اندوه بسیار پیامبر در عام‌الحرزن (سال وفات ابوطالب و خدیجه کبری) و آزار و اذیت‌هایی که ابوطالب از قریش در راه حمایت از اسلام دیده بود می‌نویسد:

پس از این همه می‌گوییم مردی که پیامبر را پرورش داده و یاری‌اش رسانده و در برابر دشمنان پشتیبانی‌اش کرده و در درستی دین و در ستایش او سروده‌هایی سر داده، شدنی است که مسلمان و مؤمن نباشد؟

سپس، سقاف به آیاتی اشاره می‌کند که پنداشته‌اند در شأن ابوطالب نازل شده است. این آیات، طبق حدیثی از بخاری^{۱۸} و مسلم^{۱۹} به نقل از ابن‌مسیب در ماجرای رحلت ابوطالب، زمانی که پیامبر می‌خواستند «لا اله الا الله» را به ابوطالب تلقین کنند، نازل شده است که عبارت است از: «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ»^{۲۰} و «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ»^{۲۱}. اما سقاف این حدیث را شاذ، مردود، ناپذیرفته و ناموثق می‌داند. همچنین، به نقل از ابن‌حجر^{۲۲} نزول این آیات درباره ابوطالب را مشکوک و مخدوش می‌داند و به باطل بودن این احادیث و نادرستی‌شان حکم می‌کند. سید حسن السقاف، همچنین، در ردّ ادعای نزول این آیات در شأن ابوطالب به سیاق آیات استدلال می‌کند و می‌گوید:

۱۷. فتح الباری، ج ۲، ص ۴۹۶.

۱۸. صحیح البخاری، ص ۹۴۵، ج ۳۸۸۴.

۱۹. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۴.

۲۰. التوبة، ۱۱۳.

۲۱. القصص، ۵۶.

۲۲. فتح الباری، ج ۸، ص ۵۰۸.

این آیات خطاب به یک گروه است نه خطاب به ابوطالب ...
چگونه ممکن است ضمیر در آیه «مَنْ أَحَبَّتْ» به ابوطالب بازگردد،
در حالی که پیامبر کافران را دوست نمی‌داشت؟!

وی سپس سخن درباره دوزخی بودن عمو و پدر و مادر پیامبر را از پنداشته‌های عوامل ناصبی
اموی می‌داند و احادیث مذکور در این باره را از افراد ضعیفی همچون ابوهریره و یزید بن کیسان،
بی‌اعتبار می‌داند.

سقاف، سپس افراد و کتبی را ذکر می‌کند که به ایمان و رستگاری ابوطالب باور داشته‌اند، از
جمله: محمد بن رسول برزنجی، اجهوری، تلمسانی، سیوطی، احمد بن حسین موصلی، قضاعی،
قرطبی، سبکی، و شعرانی. کتبی که نگارنده از آنها نام می‌برد عبارتند از: بُغیة الطالب لایمان ابی طالب
نوشته سید برزنجی؛ اثبات اسلام ابی طالب، نوشته محمد معین هندی سندی؛ السهم الصائب لکبد
من اذی اباطالب، نوشته عبدالهدی محمد افندی؛ غایة المطالب فی بحث ایمان ابی طالب، نوشته
سید علی کبیر؛ فیض الواهب فی نجات ابی طالب، نوشته شیخ احمد فیضی؛ ابوطالب بطل الاسلام،
نوشته سید حیدر بن سعید.

نویسنده در میان کتب امامیه نیز به دو کتاب المیزان نوشته علامه طباطبایی و التبیان شیخ
طوسی اشاره می‌کند.

۵. شعر ابوطالب و ماجرای اسلام او، اثر عبدالفتاح عبدالمقصود

نویسنده این کتاب، عبدالفتاح عبدالمقصود، مدتی ریاست کتاب‌خانه ریاست جمهوری مصر را بر
عهده داشت. او دارای تالیفات متعدّد در حوزه تاریخ و کلام اسلامی است. از آثار وی می‌توان به
السقیفة والخلافة و الامام علی بن ابی طالب اشاره کرد. این نگاه‌ها (شعر ابوطالب و ماجرای اسلام
او) مقدمه‌ای بر کتاب اسنی المطالب فی نجات ابی طالب زینی دحلان شافعی است. نویسنده ابتدا
اشعاری از ابوطالب را ذکر می‌کند. این اشعار به سفارش ابوطالب به پسرانش در نماز خواندن با پیامبر
و اشعاری خطاب به نجاشی، حاکم حبشه، درباره پیامبر اشاره دارد؛ از جمله این بیت که ابوطالب در
آن نجاشی را به اسلام دعوت می‌کند:

تَعَلَّمْ مَلِیکَ الْحَبَشِ اِنَّ مُحَمَّدًا
نَبِیَّ كَمَوْسَى وَ الْمَسِيحِ اِبْنِ مَرْيَمَ ۲۳

نگارنده این پرسش را مطرح می‌کند که: تا چه میزان می‌توان شعری را که به ابوطالب نسبت
داده‌اند معتبر بدانیم؟ آیا این نسبت می‌تواند چنان دلیلی باشد بر اسلام‌آوری شیخ بنی‌هاشم؟ او
سپس در این باره سخن می‌گوید که آیا شعر ابوطالب به‌تنهایی دلیل و برهان بر ایمان اوست یا

۲۳. اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۶.

قرینه بر ایمان ابوطالب است. عبدالفتاح راز گرایش ابوطالب به پیامبر و پشتیبانی از ایشان را عقیده ابوطالب می‌داند، عقیده‌ای که همه کرانه‌های اندیشه و ساحت دل ابوطالب را آکنده بود و این عقیده را شایسته یاری و پشتیبانی می‌دید. او یکی از شواهد ایمان ابوطالب را خدشه‌دارنشدن جایگاه علی علیه السلام به اتهام کفر پدرش ابوطالب از طرف افرادی همچون معاویه می‌داند و می‌گوید اگر معاویه به کوچک‌ترین گواهی که اسلام ابوطالب را مخدوش کند و به کفر نسبتش دهد، دست می‌یافت از پراکندنش باز نمی‌ایستاد.

۶. اسلام ابوطالب، اثر علی نجدی ناصف

نویسنده این کتاب علی نجدی ناصف، استاد دارالعلم و عضو فرهنگستان زبان عربی قاهره و استاد دانشکده ادبیات دانشگاه عین‌الشمس مصر است. کتاب «سبویه، امام النحاة» از مهم‌ترین نگاشته‌های اوست. نگارنده در کتاب اسلام ابوطالب، ابتدا دیدگاه‌ها درباره اسلام ابوطالب را گوناگون می‌داند که برخی آن را نفی و برخی تایید می‌کنند و برخی افراط کرده و ابوطالب را در آتش می‌دانند. وی سپس به کتابی از سید طالب حسنی رفاعی اشاره می‌کند که بی‌طرفانه در این باره نوشته شده و انکار منکران را با نقدی آرام و استوار بررسی کرده و آیاتی از قرآن را یادآور شده که همگی اسلام ابوطالب را ترجیح داده‌اند.

[مجله‌الازهر و داستان ابوطالب]

علی نجدی ناصف، در ادامه به مقاله‌ای از مجله‌الازهر اشاره می‌کند که «داستان ابوطالب» نامیده شده است. این مقاله درباره نفی ایمان ابوطالب نگاشته شده و در دو شماره از مجله مزبور به چاپ رسیده است. وی با بیان اینکه در مقام انتقاد از درستی یا نادرستی این مقاله نیست، انتقاداتی را درباره این مقاله ذکر می‌کند که در ادامه به اختصار بیان می‌کنیم:

- اساسا واکاوی این گزاره برای مسلمانان چه سودی دارد؟
- نویسنده مقاله اعتراف دارد دیدگاه دیگری هست که کتاب اسنی المطالب فی نجات ابی‌طالب، نگاشته نگارنده‌ای سنی، آن را مطرح کرده و با دلایل منکران ایمان ابوطالب به ناسازگاری برخاسته است؛ چرا نگارنده در این مقاله از آن کتاب روی تافته است؟
- نگارنده مقاله می‌گوید بر کسی که روز رستاخیز را باور دارد روا نیست ایمان ابوطالب را حق بداند، حال آنکه در کتاب اسنی المطالب با اعتقاد بسیاری از دانشمندان اهل سنت آشنا شده که به رستگاری ابوطالب باور دارند.
- نکته دیگر که نویسنده آن را شگفت‌انگیز می‌داند، این سخن است که رافضه و دیگران که ابوطالب را مؤمن می‌پندارند، حرفی بدون دلیل می‌زنند.
- چگونه است که مجله‌الازهر به دامن‌زدن گزاره‌های خلاف‌انگیز همچون این گزاره می‌پردازد؟ آیا این رسالت الازهر است که گزاره‌های بی‌هدفی را مطرح کند که جز برآشتن مسلمانان هدفی ندارد؟!

۷. ابوطالب عمومی پیامبر، اثر شیخ محمد بن احمد نبهان حلبی

نگارنده ابتدا می‌گوید بر زبان عموم مردم جاری است که ابوطالب، عمومی پیامبر، درگذشت بی‌آنکه ایمان آورده باشد. او این سخن را نمی‌پذیرد و ابوطالب را شخصی می‌داند که چشم‌برهم‌زدنی به خدا شرک نورزیده است. پس از آن دلایلی را ذکر می‌کند که بر پایه آن ابوطالب مسلمان از دنیا رفته است. از دلایلی که نگارنده ذکر می‌کند، حدیث مشهور بین اهل سنت و شیعه است که از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده:

جبرئیل بر من نازل شد و گفت: «خداوند بر تو سلام می‌رساند و می‌فرماید من آتش را بر پشتی که تو را در خود داشته و شکمی که تو را حمل کرده و دامنی که تو را پرورده حرام کردم.»^{۲۴}

وی سروده‌های ابوطالب را از قوی‌ترین دلایل بر اسلام او می‌داند که از آن جمله قصیده میمیه معروف ابوطالب و همچنین قصیده لامیه پُرآوازه اوست. نگارنده پس از بیان اشعاری از ابوطالب می‌گوید:

آیا خردپذیر است که گوینده چنین سخنانی نامسلمان باشد؟
وی در آخر نیز متذکر حمایت‌های ابوطالب از پیامبر می‌شود که خود گواه بر باور ابوطالب است.

۸. ابن عباس و مسأله ایمان ابوطالب، اثر شیخ محمود احمد الزین

در این نوشته ابتدا سخنی از ابن عباس نقل شده که وقتی از وی درباره ایمان ابوطالب پرسیدند او در پاسخ، به این شعر ابوطالب اشاره کرد و گفت:

چگونه مسلمان نباشد در حالی که چنین سروده است:

وَقَدْ عَلِمُوا أَنَّ ابْنَآ لَا مُكْذِبٌ لَدَيْنَا وَلَا يَعْجَبُ بِقِيلِ الْبَاطِلِ^{۲۵}

نگارنده سپس به روایت دیگری اشاره می‌کند که ابوطالب را در مخفی کردن ایمان به اصحاب کهف تشبیه می‌کند.^{۲۶}

ایمان ابوطالب در کتب اهل سنت و شیعه

نگارنده در این قسمت به سخنان عالمان اهل سنت درباره ایمان ابوطالب اشاره می‌کند و افرادی را ذکر می‌کند که درباره ابوطالب احادیثی نقل کرده یا سخن عالمان دیگر را درباره مؤمن بودن ابوطالب ذکر می‌کنند. از آن جمله یادکرد زینی دحلان از افرادی همچون شعرانی، سبکی، ابن سعد

۲۴. الکافی، ج ۱، ص ۴۴۶.

۲۵. الامالی للصدوق، ص ۶۱۴.

۲۶. الامالی للصدوق، ص ۶۱۵.

در طبقات، واقدی، ابن عساکر، بیهقی، سبط بن جوزی، حلبی، برزنجی، ابوداوود، ابن جارد، ابن خزیمه، یعقوبی در کتاب اسنی المطالب است. نویسندگان در ادامه احادیثی را درباره ایمان ابوطالب گزارش کرده و درباره برخی از این احادیث به وثاقت روات و صحت روایات آنها تصریح می‌کند. او از شواهد باور پیامبر به ایمان عمویش ابوطالب روایتی را می‌داند که در آن پیامبر برای عمویش، ابوطالب، طلب آموزش می‌کند.^{۲۷}

شیخ محمود احمد الزین در ادامه نیز سخنانی از علما درباره ایمان ابوطالب ذکر می‌کند، از جمله به نقل از ابن وحشی در شرح خود بر کتاب شهاب الاخبار قضایی می‌نویسد:

کین توزی به ابوطالب کفر است.

وی در آخر، سخن برزنجی در اسنی المطالب فی نجات ابی طالب را ذکر می‌کند که بسیاری از علما، اولیا، عارفان و ارباب کشف به رستگاری ابوطالب باور دارند.

۹. عمومی رسول اکرم کافر از دنیا نرفت، اثر هانی ضوه

نویسنده در نوشته‌اش دو کتاب را معرفی می‌کند؛ کتاب اول، النبوة فی نهج البلاغة که نویسنده‌اش احمد راسم نفیس، از شخصیت‌های برجسته شیعی مصر، است و تالیفاتی در دفاع از باورهای شیعه دارد. هانی ضوه، این کتاب را متشکل از سی فصل می‌داند که مهم‌ترین نشانه‌های پیامبری پیامبر از خلال سخنان علی علیه السلام در نهج البلاغة است. وی یکی از مباحث مطرح‌شده در کتاب احمد راسم را مسأله ایمان عبدالمطلب می‌داند که نگارنده آن را پذیرفته و به آن استدلال می‌کند. از مباحث دیگری که وی در معرفی کتاب النبوة فی نهج البلاغة ذکر می‌کند مسأله ایمان ابوطالب است که در آن، روایات درباره مرگ کافران ابوطالب را مخدوش و مضطرب می‌داند و مواضع ابوطالب در دفاع از اسلام را از دلایل ایمان او می‌داند. نگارنده سپس در معرفی کتاب مذکور به فصل‌های دیگری از این کتاب اشاره می‌کند، از جمله: معجزات پیامبر، تکالیف مؤمنان در قبال پیامبر، امی بودن پیامبر و ایمان ابوطالب.

کتاب دوم، خاتم الانبیاء نوشته شیخ محمد ابوزهره، از علمای بزرگ اهل سنت، است که نگاه‌های معروفی دارد. از تالیفات او کتاب خاتم الانبیاء است که در سیره نبوی نگاشته شده است. هانی ضوه در گزارشی از این کتاب می‌نویسد: «او [شیخ محمد ابوزهره] فصلی ویژه درباره سرور ما ابوطالب آورده است که فصلی نیکو و پُر بار است». وی سپس در گزیده‌هایی راجع به کتاب خاتم الانبیاء به مسأله ایمان ابوطالب می‌پردازد و به نقل از نویسنده کتاب، مواضع ابوطالب در دفاع از اسلام و رنج‌هایی را که تاب آورده و همراهی بنی‌هاشم را از مباحثی می‌داند که مؤمنی در آن تردید

۲۷. شرح نهج البلاغة، ج ۱۴، ص ۸۱؛ المعجم الکبیر، ج ۱۷، ص ۱۹۱.

نمی‌کند. سپس در ادامه می‌گوید: ثابت شده است که ابوطالب در واپسین لحظات زندگی، دعوت پیامبر را تأیید کرد و پس از دعوت محمدی هرگز دیده نشد بت‌ها را تأیید کند.

او روایتی هم از ابن عباس نقل می‌کند که ابوطالب «لا اله الا الله محمد رسول الله» را بر زبان جاری کرد.^{۲۸} نگارنده در آخر نتیجه‌ای را که ابوزه‌هره به آن رسیده چنین نقل می‌کند که ابوطالب هرگز مشرک نبوده، زیرا مشرک کسی است که بت‌ها را بپرستد و آنها را شریک و انباز خدای متعال بداند، در حالی که رفتار و گفتار و مواضع ابوطالب گواه آن است که او بت‌پرستی را باطل می‌دانسته است.

۱۰. اشارت‌هایی به ایمان ابوطالب، اثر صالح وردانی

نویسنده، صالح وردانی، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی مصری، از معروف‌ترین شخصیت‌های مستبصر معاصر است. وی ابتدا مسأله تکفیر پدر و نیاکان پیامبر را مسأله‌ای سیاسی می‌داند که در روزگار امویان ریشه دواند و برخی فقهای شام آن را پذیرفتند و در حکومت عباسیان یا از سوی آنان مغفول واقع شد یا عمداً آن را وا نهادند تا از جایگاه بنی‌هاشم کاسته شود. وی هدف امویان در این مسأله را اصطکاک‌های موجود میان امویان و هاشمیان می‌داند که به چند سده پیش از اسلام برمی‌گردد. نویسنده در ادامه می‌گوید:

روایات موجود در نفی ایمان پدر و مادر پیامبر و نیاکان او و ابوطالب ساخته امویان است.

به نظر وی، اگر تردید در ایمان پدران و نیاکان پیامبر را معتبر بدانیم این تردید به امام علی علیه السلام و پیامبر و اسلام نیز منتقل می‌شود. نگارنده در قسمت بعدی نوشته‌اش به پیوند ابوطالب با پیامبر اکرم و چرایی توصیه عبدالمطلب به سپردن محمد به ابوطالب اشاره می‌کند و این امور را از نخستین نشانه‌های ایمان ابوطالب می‌داند. نشانه دوم که بر ایمان ابوطالب دلالت می‌کند جریان همسفری پیامبر با ابوطالب در سفر بازرگانی و پیش‌گویی ب‌حیرای ترسا از پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.^{۲۹} از نشانه‌های دیگری که صالح وردانی بر ایمان ابوطالب ذکر می‌کند سخنان او^{۳۰} در هنگام خطبه ازدواج پیامبر و خدیجه کبری است. همچنین، از دیگر نشانه‌ها، تأیید پیامبر و حضرت علی علیه السلام در هنگام نمازگزاردن و وعده ابوطالب به پیامبر در یاری‌دادن اوست. حمایت ابوطالب از پیامبر در مقابل قریش، تشویق نجاشی به دفاع از مسلمانان در ماجرای هجرتشان به حبشه، یاری ابوطالب به پیامبر

۲۸. تاریخ ابی‌الفداء، ج ۱، ص ۱۲۰.

۲۹. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۷.

در شعب ابی‌طالب و همراهی با ایشان در قضیه تحریم مسلمانان از دیگر شواهدی است که نگارنده بر ایمان ابوطالب ذکر می‌کند. وردانی، در پایان، احادیثی درباره ایمان ابوطالب ذکر و آنها را معتبر می‌شمرد و در آخر سخنی از حسن بصری درباره مؤمن بودن ابوطالب می‌آورد.

۱۱. رساله درباره ایمان ابوطالب، اثر شیخ مفید

نویسنده این اثر، محمد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید، است. اولین دلیلی که در این نگاهشته بر ایمان ابوطالب ذکر می‌شود، مهر مشهور وی به رسول خدا است که نویسنده بخشی از قصیده لامیه معروف ابوطالب را در همین باره می‌داند. از اشعاری که شیخ مفید آن را اقرار صریح به توحید و اعتراف به نبوت رسول خدا شمرده این ابیات ابوطالب است:

فایده ربِّ العبادِ بِنصرِهِ وَ اظْهَرَ دینَا حَقَّهُ غَیْرُ باطِلِ
خَلِیْمَا رَشِیدَا حَازِمَا غَیْرَ طَائِشِ یوَالِی الَهِ الحَقِّ لَیْسَ بِمَاجِلِ^{۳۱}

نویسنده پس از بیان این مطالب درباره ایمان ابوطالب می‌گوید:

پس از چنین باور روشن و گمان‌ناپذیری از ابوطالب راهی برای تأویل کفرش باقی نمی‌ماند، مگر همان راهی که بر اثبات کفر حمزه و جعفر و دیگر بزرگان مسلمانان به کار می‌زدند تا ایمان هیچ یک از آنها درستی نیابد.

شیخ مفید، در ادامه، اشعار، احادیث و گزارش‌هایی از حمایت بی‌دریغ ابوطالب از پیامبر نقل می‌کند. وی در تایید سخنان خود، درباره ایمان ابوطالب به ماجرای درگذشت ابوطالب و دستور پیامبر به غسل، حنوط و کفن ابوطالب اشاره می‌کند و این سخن پیامبر را یادآور می‌شود که فرمودند:

سوگند به خدا! از عمویم چنان شفاعت می‌کنم که انس و جن به

شگفت آیند.^{۳۲}

وی دستور پیامبر به حضرت علی علیه السلام از بین دیگر فرزندان ابوطالب برای تجهیز ابوطالب و دعای خیر پیامبر در حق ابوطالب را از دلایل ایمان ابوطالب می‌داند و می‌گوید اگر چنین نبود که ابوطالب بر ایمان درگذشته باشد، دیگر بر پیامبر روا نبود خیرات الهی را برای وی امید برد.

۳۱. اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۵۱.

۳۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۷۶.

سپس شیخ مفید اشعاری ذکر می‌کند که به اسلام و ایمان ابوطالب و حمایت جانانه‌اش از پیامبر دلالت دارد. از جمله اشعاری که شیخ مفید آورده، این ابیات است که آنها را اعتراف بی‌گفت‌وگویی ابوطالب به رسول خدا و پیامبری ایشان می‌داند:

الم تعلموا انا وجدنا محمدا نبيا كموسى خطا فى اول الكتب^{۳۳}

همچنین، اشعاری از ابوطالب را در دعوت از حمزه به پیروی از پیامبر و شکیبایی در فرمان‌بری از ایشان ذکر می‌کند. از دیگر مضامین اشعاری که شیخ مفید از ابوطالب نقل می‌کند، می‌توان به وصیت او به حضرت علی، عباس، حمزه و جعفر به یاری کردن پیامبر، فراخواندن جعفر به نماز گزاردن با پیامبر و خطاب قراردادن نجاشی، پادشاه حبشه، اشاره کرد. نویسنده در پایان سخنان مشهور و گفته‌های پُرآوازه ابوطالب را، که گواه بر اعتقاد توحیدی او به خداست، بی‌شمار می‌داند.

۱۲. گفت‌وگوهایی درباره ایمان ابوطالب، اثر عبدالله حسن

نویسنده این مقاله، شیخ عبدالله حسن، در نوشته‌اش گفت‌وگوهایی را درباره ایمان ابوطالب گرد آورده که بین افراد مختلف اتفاق افتاده است.

گفت‌وگویی سید علی بطحایی و شیخ عبدالله بن جحش درباره ایمان ابوطالب

این نوشته با پرسشی از جانب عبدالله بن جحش آغاز می‌شود که از سید علی بطحایی می‌پرسد: چرا به زیارت قبر عبدالمطلب می‌روید، حال آنکه پیش از بعثت در گذشته و چرا به زیارت قبر ابوطالب می‌رویم و حال آنکه او مشرک بود؟

سید علی بطحایی در پاسخ به این پرسش ماجرای شأن نزول سوره فیل و نفرین عبدالمطلب به سپاه ابرهه را بیان می‌کند و نزول عذاب با نفرین وی را دلیل ایمان عبدالمطلب می‌داند. او در ادامه برای اثبات اسلام عبدالمطلب و ابوطالب احادیثی نقل می‌کند. وی از علی رضی الله عنه نقل می‌کند که ایشان فرمودند:

به خدا سوگند نه پدرم، نه نیایم عبدالمطلب، نه هاشم و نه عبدالمناف هرگز بت نپرستیدند.

پرسیدند:

پس چه می‌پرستیدند؟

فرمود:

آنها در کعبه بر آیین ابراهیم نماز می‌گزاردند و بر آیین او پای بند بودند.^{۳۴}

۳۳. السيرة النبوية، ج ۲، ص ۴.

۳۴. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۷۵.

بطحایی در ادامه به اجماع علمای شیعه در اسلام ابوطالب اشاره می‌کند و به نقل از شیخ مفید در اوائل المقالات می‌گوید:

علمای امامیه هم‌سخنند که پدران رسول خدا از آدم تا عبدالمطلب به خدا ایمان داشتند، و اجماع دارند که ابوطالب مؤمن در گذشته است.^{۳۵}

وی در ادامه احادیثی از امام سجّاد علیه السلام، امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام ^{۳۶} درباره ایمان ابوطالب گزارش می‌کند. از دلایلی که سید علی بطحایی ذکر می‌کند سروده‌هایی گواه بر اسلام ابوطالب است که در ستایش پیامبر سروده است، از جمله:

تعلموا أنّا وجدنا محمدًا نبیا
کموسی خطّاً فی أوّل الکتب^{۳۷}

وی همچنین گزارش‌هایی از منابع اهل سنت درباره ایمان ابوطالب ذکر می‌کند و در پایان می‌گوید: پس از این همه اخبار و احادیثی که آدمی از شمارکردنش ناتوان است آیا هیچ مسلمانی می‌تواند به ابوطالب نسبت کفر و شرکت دهد؟

گفت‌وگوی سید محمدجواد مه‌ری با استاد عمر شریف درباره ایمان ابوطالب

در این گفت‌وگو سید محمدجواد مه‌ری خاطراتی را از ایام تحصیلش در کویت بازگو می‌کند. از مباحثی که به آن اشاره می‌کند مناظره او با استادش، عمر شریف درباره ایمان ابوطالب است. وی ابتدا سخن استادش را نقل می‌کند که آیه «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ»^{۳۸} را در شأن ابوطالب دانسته و با این آیه بر کفر وی استدلال می‌کند. سپس در مقابل استاد خود و در ردّ سخن او به آیاتی استدلال می‌کند، از جمله: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^{۳۹} که درباره‌اش می‌گوید:

خداوند در بیش از سی موضع، مسلمانان را از برقراری پیوند با کافران باز داشته است، چه رسد به آنکه ایشان را حامی و پشتیبان خود گیرند. آیا بر رسول خدا که رساننده آیات الهی است رواست که آشکارترین احکام خدا را فرو نهد؟

۳۵. اوائل المقالات، ص ۴۴-۴۵.

۳۶. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۶۴؛ بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۱-۱۱۵.

۳۷. السیرة النبویة، ج ۲، ص ۴.

۳۸. القصص: ۵۶.

۳۹. التوبة: ۲۳.

سید جواد مهری، در ادامه به مناظره خود با استاد در بین دانش‌آموزان و استقبال آنها اشاره می‌کند و گزارش‌های تاریخی همچون ماجرای خورده‌شدن عهدنامه قریش توسط موریانه و خبر دادن ابوطالب از آن را نیز ذکر می‌کند. در این بین به منابع تاریخی اهل سنت که گزارشگر این واقعه بودند اشاره می‌کند؛ از آن جمله می‌توان به تاریخ یعقوبی، سیره ابن‌هشام، تاریخ ابن‌کنیر، طبقات ابن‌سعد و عیون الاخبار ابن‌قتیبه اشاره کرد. او در ادامه به اشعاری از ابوطالب نیز اشاره و در اثبات ایمان ابوطالب به آنها استدلال می‌کند. در گزارش اشعار نیز به منابعی همچون تاریخ الصغیر بخاری، تاریخ ابن‌عساکر و الاصابه ابن‌حجر ارجاع می‌دهد. از دلایل دیگری که در این نوشته آمده، ماجرای همسری ابوطالب با فاطمه بنت اسد است که همگان می‌دانند پیامبر او را از همسرش جدا نکرد، در حالی که پیامبر اعلام فرموده بود ازدواج زنان مسلمان با کافر حرام است. سید جواد مهری، در ادامه به اشعاری از ابوطالب، به گزارش حاکم نیشابوری، ابن‌هشام، ابن‌کنیر و قسطلانی، اشاره می‌کند. در پایان، به نقل از تاریخ یعقوبی، یادآور ماجرای رحلت ابوطالب و زاری پیامبر در مرگ ایشان و دعای پیامبر در حق او می‌شود و می‌گوید:

ایا پیامبر بر کافری مهر می‌ورزید، با آنکه خدا او را فرموده بود با
کافران دوستی نکند و با مؤمنان رأفت ورزد؟!^{۴۰}

گفت‌وگوی شیخ محمد اشتهاردی^{۴۱} با شماری از اهل سنت درباره ایمان

ابوطالب

در ابتدای این گفت‌وگو سخن از ناسازگاری روایات اهل سنت درباره ایمان ابوطالب است که شیخ محمد اشتهاردی در مقابل، علمای شیعه را به تبع امامان معصوم هم‌نظر در مؤمن بودن ابوطالب می‌داند. پس از آن، ایشان علت وجود روایات در بی‌ایمانی ابوطالب را وجود اغراض سیاسی می‌داند که افرادی همچون معاویه با اجیر کردن افرادی همچون ابوهریره در مخدوش کردن چهره حضرت علی علیه السلام می‌کوشیدند. شیخ محمد اشتهاردی در رد استدلال به آیه «وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَلَيْهِ»^{۴۱} بر بی‌ایمانی ابوطالب و اخبار رسیده درباره شأن نزول این آیه می‌گوید:

- این آیه سخنی درباره دفاع از پیامبر ندارد، بلکه درباره کافران است که مردم را از پیروی پیامبر باز می‌داشتند.

۴۰. محمد ملامحمدی، مشهور به محمد محمدی اشتهاردی، نویسنده، مفسر قرآن، از اعضای اصلی تفسیر نمونه و پیام قرآن بود. وی از محضر استادانی همچون آیات عظام مشکینی، مکارم شیرازی، میرزا هاشم آملی و گلپایگانی بهره برده و در موضوعات مختلف اسلام دارای بیش از صد نگاشته است.

۴۱. الانعام: ۲۶.

– جمله «يَنَّاوَنَ عَنَه» به معنای دور کردن است، در حالی که ابوطالب از نزدیک‌ترین مردم به پیامبر بود.

– روایات^{۴۲} وارد شده در شأن نزول، به جهت وجود سفیان ثوری و حبیب بن ثابت، که علمای اهل سنت به دروغ‌پردازی و تدلیس‌شان اعتراف داشتند^{۴۳} مخدوش است. از این گذشته، عباس بن عبدالمطلب خود به ایمان ابوطالب باور داشته است.

– روایت می‌گوید این آیه در شأن ابوطالب نازل شده، در حالی که واژه «يَنَّاوَنَ» و «يَنَّاوَنَ» جمع است.

در آخر، اشتها ردی با اشاره به ماجرای رحلت ابوطالب و اندوه حضرت رسول در مرگ وی می‌گوید:

آیا انصاف است که در حق پیامبر گفته شود، مشرکی را ستوده و بزرگ داشته و برای مرگ او اندوه خورده، حال آنکه بسیاری از آیات، مشرکان را نکوهیده و به روی گردانی از آنها دستور داده است؟

۱۳. ابوطالب قهرمان اسلام، اثر قاضی حیدر محمد سعید عرفی

نویسنده این کتاب متولد ۱۹۴۰ و دارای مدرک حقوق و قاضی شهر دیرالزور سوریه است. وی ابتدا می‌گوید:

خداوند خواست تا یاری فرستاده ارجمندش به دست خاندان پاک و پاکیزه و صحابه ارجمند و برگزیده‌اش باشد. از همین رو یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی پیامبر پشتیبانی عمویش ابوطالب بود.

وی روایاتی را که درباره مشرک‌بودن ابوطالب هنگام مرگ آورده‌اند دروغ و از ساخته‌های بنی‌امیه دانسته، شاهد سخنش را فقدان این روایات در دوران خلفای سه‌گانه می‌داند. نویسنده همچنین نکوهش نشدن حضرت علی علیه السلام از سوی افرادی همچون معاویه، عمروعاص، عبدالله بن زبیر، مروان و ... درباره کفر پدرش ابوطالب را نیرومندترین گواه در اسلام ابوطالب می‌داند و می‌گوید:

اگر این روایات شناخته شده بودند بنی‌امیه و پیروانشان آن را برای کوبیدن امام علی علیه السلام به کار می‌بردند.

او در ادامه، به نقل از زینی دحلان، در رد سخنان قائلان به کفر ابوطالب، روایاتی را درباره ابوطالب می‌آورد و بر پایه آنها ایمان ابوطالب را ثابت می‌کند. سپس می‌گوید:

۴۲. تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۱۳۲.

۴۳. میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۶۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۱۱۵.

ابوطالب از پیامبری محمد پیش از بعثت آگاهی داشت. این آگاهی را از اموری همچون استسقای (طلب باران) عبدالمطلب و ابوطالب از رسول خدا می‌توان فهمید؛ همچنین ابوطالب معجزات بسیاری از پیامبر دیده بود.

وی در اثبات ایمان ابوطالب به آیاتی از قرآن استدلال می‌کند. در ادامه، سخنانی از زینی دحلان، ابن‌وحشی، اجهوری و تلمسانی درباره ایمان ابوطالب را یادآور می‌شود. همچنین، اشعاری از ابوطالب می‌آورد که این اشعار تهمت دروغ و افسونگری و ... را از پیامبر نفی می‌کند و متذکر ابیاتی درباره دعوتگری ابوطالب به اسلام می‌شود.

از دلایلی که نویسنده بر پایه حدیثی^{۴۴} از امام سجّاد علیه السلام ذکر می‌کند، همراهی فاطمه بنت اسد، از پیشگامان اسلام، با ابوطالب تا پایان عمر است، در حالی که بعد از شعب ابوطالب، دین اسلام زن مشرک را بر مرد مسلمان، و مرد مشرک را بر زن مسلمان حرام کرد. قاضی حیدر در ادامه به احادیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام درباره شفاعت پیامبر از ابوطالب،^{۴۵} حرام بودن آتش بر ابوطالب^{۴۶} و تشبیه ابوطالب به اصحاب کهف^{۴۷} و مؤمن آل فرعون اشاره می‌کند. وی در ادامه، به نقل از ابن شهر آشوب، تعداد ابیات ابوطالب را که گواه بر ایمان ابوطالب است افزون بر سه هزار بیت می‌داند.^{۴۸} سپس تعدادی از این اشعار را ذکر و آنها را دلیل کمال ایمان و اسلام ابوطالب می‌شمرد. این اشعار به ایمان ابوطالب به خدا، پیامبر اکرم و پیامبران دیگر، ایمان به کتاب‌های آسمانی و وحی، ایمان او به روز واپسین و قضا و قدر اشاره دارند. سپس به گزارش‌هایی از حمایت‌های ابوطالب در ماجرای یوم‌الدار و نزول آیه «وَأَنْزِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^{۴۹} و یاری‌های بی‌دریغ ابوطالب از پیامبر در مقابل قریش اشاره می‌کند.^{۵۰} قاضی حیدر به روایت کردن ابوطالب از پیامبر می‌پردازد^{۵۱} و بعد از آن به درگذشت ابوطالب و اندوه این فراق برای پیامبر اشاره می‌کند.^{۵۲} سپس می‌گوید:

۴۴. الحجّة علی الذاهب، ص ۱۲۴.

۴۵. شرح نهج البلاغة، ج ۱۴، ص ۷۶.

۴۶. الکافی، ج ۱، ص ۴۴۶.

۴۷. الامالی للصدوق، ص ۶۱۴.

۴۸. متشابه القرآن و مختلفه، ج ۲، ص ۶۵.

۴۹. الشعراء: ۲۱۴.

۵۰. الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج ۱، ص ۲۹۹.

۵۱. شرح نهج البلاغة، ج ۱۴، ص ۶۹.

۵۲. شرح نهج البلاغة، ج ۱۴، ص ۷۶.

یاری‌دادن ابوطالب به پیامبر از سر قبیله‌گرایی نبوده، بلکه برخاسته از ایمان ابوطالب بود.

در پایان به آیاتی اشاره می‌کند که برخی، آن را در شأن ابوطالب دانسته و به آن آیات برای اثبات کفر ابوطالب استدلال کرده‌اند، از جمله آیه «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ»^{۵۳} که نگارنده در رد استدلال به آن می‌گوید:

این آیه ۱۳ سال پس از درگذشت ابوطالب نازل شد!

همچنین، در رد استدلال به آیه «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ»^{۵۴} می‌گوید:

این آیه مهر پیامبر به ابوطالب را ثابت می‌کند و گواه ایمان ابوطالب است.

همچنین در رد استدلال به آیه «وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ»^{۵۵} می‌گوید:

این آیه به صیغه جمع است، در حالی که اگر مقصود، ابوطالب بود باید به صیغه مفرد می‌آمد.

۱۴. اجماع اهل بیت علیهم‌السلام بر اسلام ابوطالب

به نویسنده این اثر در کتاب اشاره نشده است. در آغاز این نگاشته به اجماع اهل بیت علیهم‌السلام بر ایمان ابوطالب اشاره شده و پس از آن سخنانی از خُصَرَى به نقل از عمرو جاحظ^{۵۶} و خطیب بغدادی^{۵۷} درباره فضل اهل بیت علیهم‌السلام آمده است. نگارنده در ادامه به دلالت آشکار اشعار ابوطالب بر ایمان او اشاره می‌کند و علت اینکه ابوطالب ایمانش را آشکار نمی‌کرد مسأله خدمت به پیامبر و اسلام می‌داند که اگر قریش بر ایمان او اطلاع می‌یافتند برخی از زمینه‌های خدمت از وی سلب می‌شد. وی در این زمینه روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که در آن ابوطالب به اصحاب کهف

۵۳. التوبة: ۱۱۳.

۵۴. القصص: ۵۶.

۵۵. الانعام: ۲۶.

۵۶. زهر الآداب، ج ۱، ص ۵۹.

۵۷. تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۲۱۴.

تشبیه شده است.^{۵۸} نویسنده پس از آن به سخنانی از قاضی دحلان^{۵۹} در کتاب اسنی المطالب فی نجات ابی‌طالب درباره ایمان ابوطالب و مفهوم «ایمان» اشاره می‌کند. او روایاتی از منابع شیعه و سنی از ابن عباس، امام علی علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام درباره ایمان ابوطالب نقل می‌کند.^{۶۰} از آن جمله این روایت از امام باقر علیه السلام که فرمودند:

اگر ایمان ابوطالب را در کفه‌ای از ترازو نهند و ایمان دیگر خلائق

را در کفه‌ای دیگر، ایمانش بر همگان فزونی یابد.^{۶۱}

وی در آخر وجود برخی روایات درباره کفر ابوطالب را از تلاش‌های امویان و حامیان آنها و دروغ‌بافان برای خاموشی نور اهل بیت علیهم السلام می‌داند.

۱۵. ده دلیل در ایمان ابوطالب، اثر ابواسکندر

نگارنده ابتدا اشاره می‌کند که دشمنان برای کاستن از مقام حضرت علی علیه السلام همه توانشان را به کار بستند و ادعای بی‌ایمانی ابوطالب نیز در همین راستا بوده است. او سپس در مقام اثبات ایمان ابوطالب ده دلیل بیان می‌کند:

- خاندان و خانواده ابوطالب علیه السلام که بر آیین ابراهیم خلیل بودند.
- مواضع پیامبر در قبال ابوطالب که نگارنده تعداد این مواضع‌گیری‌ها از پیامبر را بسیار می‌داند.
- مواضع علی علیه السلام در قبال ابوطالب؛ نویسنده در این قسمت به اشعاری از آن حضرت در سوگ پدرش اشاره می‌کند.
- فراخواندن ابوطالب به اسلام؛ ابواسکندر، به نقل از ابن‌ابی‌الحدید و ابن‌اثیر، افرادی را ذکر می‌کند که ابوطالب آنها را به اسلام دعوت کرد، همچون نجاشی، پادشاه حبشه.
- تقیه: نگارنده گزارشی از ابوطالب در این قسمت نقل می‌کند که حکایت از تقیه او در ایمان دارد.^{۶۲}

۵۸. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۱۱.

۵۹. اسنی المطالب فی نجات ابی‌طالب، ص ۳۲-۳۳.

۶۰. الامالی للصدوق، ص ۷۱۲؛ الامالی للطوسی، ص ۳۰۵-۳۰۷؛ کنز الفوائد، ص ۸۰.

۶۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۶۸.

۶۲. الصحیح من السیره النبویة الاعظم صلی الله علیه و آله، ج ۴، ص ۲۴.

- رهبری گروه: نویسنده رهبری ابوطالب درباره گروهی در حمایت بی‌دریغ از پیامبر را دلیل دیگری بر ایمان او می‌داند.
- دفاع ابوطالب از پیامبر در مقابل قریش.
- پاکی نیاکان و عموها: نگارنده در این قسمت به روایتی از پیامبر اشاره می‌کند و آن را دلیل دیگری بر ایمان ابوطالب می‌داند. پیامبر اکرم می‌فرماید:
ما از پشت‌های پاک به رحم‌های پاکیزه رسیدیم.^{۶۳}
- خواستگاری ابوطالب برای پیامبر و خطبه ابوطالب در این خصوص^{۶۴} که گواه بر ایمان ابوطالب است.
- تشییع جنازه ابوطالب از سوی پیامبر: نگارنده در این قسمت نیز با اشاره به دستور پیامبر به حضرت علی علیه السلام در غسل، حنوط و کفن ابوطالب و ذکر این سخن پیامبر که فرمودند:
به خدا از عمویم چنان شفاعتی کنم که انس و جن از آن به شگفت آیند.^{۶۵}

دلیل دیگری بر ایمان ابوطالب اقامه می‌کند. نگارنده، در پایان، بار دیگر، احادیثی را که سخن از کفر ابوطالب به میان آورده‌اند به علت وجود افراد ضعیف، مجهول، تدلیس‌گر و دشمن با بنی هاشم در اسناد آن، بسیار ضعیف می‌داند.

۱۶. ابوطالب پناهگاه رسول و رسالت، اثر حسن الحاج

این نوشته با توصیفات از بنی‌هاشم و سخنانی درباره فضایلشان آغاز می‌شود و سپس به برترین ایشان، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تولد، رشد و پرورش او در دامان عبدالمطلب و ابوطالب اشاره می‌کند. نویسنده سخن از ایمان‌نداشتن ابوطالب را کشمکش میان دو خاندان بنی‌هاشم و بنی‌امیه می‌داند. وی در ادامه به مواضع سترگ و سخنان والا و پایداری و پشتیبانی ابوطالب از دین اسلام اشاره می‌کند. سپس سخنانی درباره پدر ابوطالب، حضرت عبدالمطلب، به میان می‌آورد و یگانه‌پرستی، مهتری و اخلاق و الایش را توصیف می‌کند. او در پی اثبات ایمان عبدالمطلب به ماجرای حمله ابرهه به کعبه و نحوه رویارویی عبدالمطلب با او اشاره می‌کند.^{۶۶} همچنین، توصیفات درباره هاشم و قصی بن کلاب، از نیای ابوطالب، ذکر می‌کند. حسن الحاج سپس به همسر ابوطالب، فاطمه بنت

۶۳. شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۳۱۱.

۶۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۷؛ ابوطالب مؤمن قریش، ص ۱۲۶.

۶۵. شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۷۶.

۶۶. قرب الاسناد، ص ۳۱۹.

اسد، اشاره می‌کند و جایگاه رفیع آن زن و منزلتش نزد پیامبر را یادآور می‌شود. همچنین، خطبه ابوطالب در خواستگاری از فاطمه بنت اسد را نقل می‌کند^{۶۷} که سرشار از توحید و یگانه‌پرستی است. در ادامه به پیوند میان پیامبر با ابوطالب و عبدالمطلب می‌پردازد و محبت‌های بی‌دریغ آن دو به پیامبر را ذکر می‌کند. همچنین، توصیف‌های مؤکد عبدالمطلب به ابوطالب در هنگام مرگ راجع به پیامبر را بیان می‌کند. حسن‌الحاج سپس ویژگی‌هایی همچون فرزاندگی، دانایی، دلاوری و شعرسرایی درباره ابوطالب را بیان می‌کند که ابوطالب همه آنها را در خدمت و پشتیبانی از رسول خدا به کار می‌گرفت. وی در انتهای نوشته‌اش سخنانی از عبدالفتاح عبدالمقصود درباره ایمان ابوطالب ذکر می‌کند.

۱۷. یاد خوش؛ فصلی از کتاب ابوطالب، مؤمن قریش، اثر عبدالله

خنیزی

عبدالله خنیزی در ۱۳۵۰ق در قطیف متولد شد. او دارای مقالات بسیار در نشریات مختلف در کشورهای همچون بحرین، عراق، لبنان و مصر است. کتاب ابوطالب مؤمن قریش نیز اثر اوست که به زبان‌های اردو و فارسی ترجمه شده است. یادداشت کنونی فصلی از این کتاب است. خنیزی ابتدا به ستایش‌ها و نکوداشت‌های همیشگی پیامبر از ابوطالب اشاره و در این باره گزارشی تاریخی را نقل می‌کند که در آن پیامبر بالای منبر برای ابوطالب طلب آموزش می‌کند.^{۶۸} او این یادکردها را به سبب اعمال نیک ابوطالب می‌داند. خنیزی، در ادامه، به نمونه‌های دیگری از وقایع تاریخی اشاره می‌کند که در آن، پیامبر از ابوطالب به نیکویی یاد کرده است.^{۶۹} وی پس از نقل این گزارش‌ها می‌گوید:

این احادیث ما را و می‌دارند به ایمان یاور پیامبر اعتراف کنیم. سپس یادآور می‌شود که اگر ابوطالب مسلمان نبود و پیامبر برایش طلب آموزش می‌کرد، در دامی گرفتار می‌شد که خداوند در آیات متعددی به آن هشدار داده بود؛ همچون آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ

۶۷. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۹۷؛ ابوطالب مؤمن قریش، ص ۱۲۶.

۶۸. شرح نهج البلاغة، ج ۳، ص ۳۱۶.

۶۹. شرح نهج البلاغة، ج ۳، ص ۳۱۳ و ۳۱۶ و ۳۳۴؛ لِحجّة على الذاهب، ص ۸۴.

۷۰. الممتحنة: ۱.

كَسَادَهَا وَ مَسَاكِنُ تَرَضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ
 وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»^{۷۱} و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهُ بِقَوْمٍ
 يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»^{۷۲}.

نویسنده ذیل این آیات و آیاتی دیگر، سخنانی از کتاب مجمع البیان^{۷۳} و الکشاف^{۷۴} در تفسیر
 این آیات بیان می‌کند. خنیزی پس از آن به یادکرد حضرت علی علیه السلام از پدرش، ابوطالب، می‌پردازد
 و می‌گوید: از او [حضرت علی علیه السلام] سخنانی می‌شنویم که سرشار از دلایلی بر ایمان پدرش است.
 وی روایاتی از حضرت علی علیه السلام در اثبات ایمان ابوطالب نقل می‌کند، از جمله این حدیث:
 نور ابوطالب (به روز رستاخیز) نور همه خلایق را خاموش می‌کند
 مگر پنج کس را.^{۷۵}

در ادامه به سخنان اهل بیت علیهم السلام درباره ایمان ابوطالب می‌پردازد و احادیثی از امام سجّاد، امام
 باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا و امام حسن عسکری علیهم السلام درباره ایمان ابوطالب نقل می‌کند.^{۷۶}
 خنیزی، سپس بر پایه حدیث ثقلین به عصمت و طهارت اهل بیت علیهم السلام استدلال می‌کند و
 می‌گوید: «آنها چگونه می‌توانند به هر سبب و نسبی، پدر خویش را به ناراستی بستانند؟» خنیزی
 سپس به سخنان صحابه، دانشمندان و علما درباره ابوطالب می‌پردازد که بر ایمان ابوطالب گواهی
 می‌دهند، از جمله: ابوبکر، عباس، عبدالله بن عباس، ابوذر، حسان بن ثابت،^{۷۷} مامون خلیفه عباسی،^{۷۸}
 ابن جوزی در تذکرة الخواص،^{۷۹} عبدالمسیح انطاکی (مسیحی)، طه حسین،^{۸۰} عبدالعزیز سید الاهل،^{۸۱}
 جورج جرداق در کتاب الامام علی صوت العدالة الانسانية.^{۸۲}

۷۱. التوبة: ۲۳-۲۴.

۷۲. المائدة: ۵۴.

۷۳. مجمع البیان، ج ۸، ص ۱۹.

۷۴. الکشاف، ج ۲، ص ۲۰۱-۲۰۲.

۷۵. تذکرة الخواص، ص ۱۱؛ الغدير، ج ۷، ص ۳۸۸.

۷۶. شرح نهج البلاغة، ج ۳، ص ۳۱۲؛ معجم القبور، ج ۱، ص ۱۸۹؛ الغدير، ج ۷، ص ۳۸۱ و ۳۹۱ و ۳۹۵؛ الحجّة علی الذاهب،
 ص ۱۵-۱۶.

۷۷. الغدير، ج ۷، ص ۳۷۰ و ۴۰۱ و ۳۹۹ و ۳۹۷.

۷۸. تذکرة الخواص، ص ۳۱.

۷۹. تذکرة الخواص، ص ۱۰-۱۱.

۸۰. الفتنة الكبرى، ص ۱۵۱.

۸۱. ابوطالب شيخ بنی هاشم، ص ۵-۶.

۸۲. الامام علی صوت العدالة الانسانية، ج ۱، ص ۱۵۴.

خنیزی در پایان سخنانی را به تفصیل از جرج جرداق درباره ابوطالب بیان می‌کند و توضیحاتی در این خصوص می‌دهد.

۱۸. ابوطالب پشتیبان پیامبر و بزرگ اسلام، اثر محمد جواد خلیل

محمد جواد خلیل، پژوهشگر کویته است که از آثار او کشف المتواری فی صحیح البخاری می‌باشد. او در آغاز، ابوطالب را مؤمن به خدای یگانه و تصدیق‌کننده رسول خدا دانسته و در پی آن در اثبات ایمان ابوطالب ۱۳ دلیل بیان می‌کند که به اختصار چنین است:

- خطبه ابوطالب در خواستگاری از خدیجه برای رسول خدا^{۸۳} که نویسنده آن را بیان‌کننده درجه ایمان و سطح معرفت ابوطالب می‌داند.
- توصیه ابوطالب به حضرت علی علیه السلام به همراهی همیشگی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.^{۸۴}
- توصیه به جعفر به همراهی با پیامبر و علی در نماز.^{۸۵}
- حمایت از پیامبر در مقابل توهین‌های کفار قریش.^{۸۶}
- سرپرستی ابوطالب از پیامبر در دوران یتیمی ایشان، با استناد به حدیثی از پیامبر به نقل از صحیح بخاری که ایشان فرمودند:

من و سرپرست یتیم در بهشت، چنینیم.

و انگشت سبابه و میانه را به هم پیوستند.^{۸۷}

- ترساندن کفار قریش از آزار و اذیت پیامبر.^{۸۸}
 - دستور پیامبر به حضرت علی علیه السلام در غسل، خنوط و کفن ابوطالب.^{۸۹} نویسنده می‌گوید:
- چگونه ممکن است مسلمانی چون علی مردی خداناوور را غسل

دهد؟

۸۳ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۷.

۸۴ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۸.

۸۵ اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۵۴۲.

۸۶ الجامع لاحکام القرآن، ج ۶، ص ۴۰۵-۴۰۶.

۸۷ صحیح بخاری، ج ۸، ص ۹.

۸۸ الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۳۵.

۸۹ شرح نهج البلاغة، ج ۱۴، ص ۷۶.

- فقدان تفاوت در نحوه تشییع، خاک‌سپاری و سوگواری ابوطالب و فاطمه بنت اسد، در حالی که فاطمه بنت اسد از نخستین زنان مسلمان بود. به نظر نویسنده، این خود گواه آن است که هر دوی آنها مؤمن بوده‌اند.
- حزن و اندوه بسیار پیامبر در مرگ ابوطالب.^{۹۰} به نظر نویسنده، اگر ابوطالب مشرک بود چگونه پیامبر برای مرگش چندان اندوهناک شد و آن سال را «عام‌الحزن» نامید؟
- توصیه ابوطالب در هنگام مرگ به پیروی از پیامبر خدا.^{۹۱}
- همراهی ابوطالب با پیامبر در شعب ابی‌طالب؛^{۹۲} نویسنده می‌پرسد:
 آیا خردپذیر است کسی که این دشواری‌ها را برمی‌تابد مشرک باشد؟
- خبر دادن ابوطالب به قریش راجع به خورده شدن نامه توسط موریانه و سخن ابوطالب درباره پیامبر که فرمود:
- برادرزاده‌ام که هرگز دروغ نگفته مرا آگاهی داده است ...^{۹۳}
- مهر پیامبر برای عمویش در پی رحلت او.^{۹۴} نویسنده درباره آخرین دلیلش بر ایمان ابوطالب می‌گوید:
- اگر ابوطالب مشرک بود چگونه پیامبر، عمویی را که به شرک در گذشته دوست می‌داشت؟

۱۹. استفتائاتی درباره ابوطالب

- به نویسنده این اثر در کتاب اشاره نشده، اما این نگاه‌ها در بردارنده پرسش‌هایی است که راجع به ایمان حضرت ابوطالب مطرح شده و علما و مراجع تقلید، همچون آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله صافی گلپایگانی و ... و برخی مراکز پژوهشی به آن پاسخ داده‌اند. مرکز پژوهش‌های اعتقادی در پاسخ به پرسش‌هایی درباره حضرت ابوطالب و دلایل ایمان ایشان ادله‌ای به این صورت بیان می‌کند:
- وجود احادیث فراوان در ایمان ابوطالب که از اهل بیت علیهم‌السلام به دست ما رسیده است.
 - یاری‌های بی‌دریغ ابوطالب در حق پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

۹۰. الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۳؛ نور الابصار، ص ۲۸.

۹۱. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۷۸.

۹۲. البدایة و النهایة، ج ۳، ص ۸۴.

۹۳. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۳.

۹۴. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۳، ص ۱۳۶.

- استدلال سبط بن جوزی بدین صورت که اگر ابوطالب کافر بود معاویه و احزابش، علی علیه السلام را به آن نکوهش می‌کردند.^{۹۵}
- سخنان ابوطالب که همگی گویای اسلام اوست.^{۹۶}
- تصریح ابوطالب به تقیّه در وصیت خویش.^{۹۷}
- طلب آموزش پیامبر برای ابوطالب.^{۹۸}
- مواضع عملی ابوطالب علیه السلام.
- اعتراف زبانی ابوطالب علیه السلام.
- مواضع پیامبر در قبال ابوطالب علیه السلام.
- گزارش‌های کسانی که از نزدیک به رفتار ابوطالب آگاه بودند.^{۹۹}

در ادامه این نگاه‌نشته پرسش‌های دیگری از این مرکز درباره ایمان ابوطالب علیه السلام و احادیثی در این خصوص گزارش شده است.

۲۰. خاندان ابوطالب

به نویسنده این اثر در کتاب اشاره نشده است. این نوشته به معرفی خانواده ابوطالب پرداخته است. نگارنده ابتدا همسر ابوطالب، فاطمه بنت اسد و مقام والای ایشان و جایگاهش نزد پیامبر را معرفی می‌کند. سپس به معرفی فرزندان ابوطالب می‌پردازد. ابتدا به دختر او فاخته اشاره می‌کند که دارای اخلاق نیکو بوده و در سال ۴۹ هجری از دنیا رفت. سپس به چهار پسر ابوطالب اشاره می‌کند که عبارتند از: طالب، عقیل، جعفر و حضرت علی علیه السلام. نویسنده در این قسمت به ایام ولادت و پرورش حضرت علی علیه السلام، ایام خلافت ایشان، شهادت حضرت، القاب و فضائل امام و همسران و فرزندان ایشان اشاره کرده، احادیثی در فضیلت حضرت ذکر می‌کند، از جمله: حدیث کسا،^{۱۰۰} حدیث منزلت،^{۱۰۱} و حدیث رأیت روز خبیر.^{۱۰۲} در پایان نیز به دو کتاب نهج البلاغه و انوار العقول تحت عنوان آثاری که در بردارنده سخنان و اشعار حضرت است اشاره می‌کند.

۹۵. ابوطالب مؤمن قریش، ص ۲۷۲.

۹۶. شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۷۸.

۹۷. تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۳۰۰؛ الغدیر، ج ۷، ص ۳۶۶.

۹۸. تذکرة الخواص، ص ۸.

۹۹. شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۷۱.

۱۰۰. مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۱۲۰.

۱۰۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۷۸.

۱۰۲. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۳۴؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۳۶.

۲۱. بانو فاطمه بنت اسد، مادر امام علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان

به نویسنده این اثر در کتاب اشاره نشده است. این نگاشته با خواستگاری ابوطالب از فاطمه بنت اسد آغاز می‌شود و سپس به خطبه ابوطالب در خواستگاری از فاطمه بن اسد^{۱۰۳} اشاره می‌کند. نویسنده پس از آن به فرزندان فاطمه بنت اسد و خدمت‌گزاری او نسبت به پیامبر پس از مرگ عبدالمطلب می‌پردازد. در ادامه، مژده‌هایی از به دنیا آمدن حضرت علی علیه السلام بیان شده است، همچون مژده کاهنی به فاطمه بنت اسد در به دنیا آوردن فرزندی که سرشتی همچون پیامبر خواهد داشت.^{۱۰۴} سپس به روایتی از امام صادق علیه السلام در نحوه تولد حضرت علی علیه السلام در خانه کعبه و هم‌صحبتی ایشان با پیامبر و قرائت آیاتی از سوره مؤمنون توسط حضرت علی علیه السلام می‌پردازد.^{۱۰۵} نگارنده پس از نقل این حدیث می‌گوید:

از این روایت و جز آن به دست می‌آید که فاطمه بنت اسد به خدا ایمان داشت.

او در ادامه به مژده عابدی، به نام مثرم بن دعیب، به ابوطالب بر متولدشدن حضرت علی علیه السلام اشاره می‌کند.^{۱۰۶} سپس ماجرای رحلت فاطمه بنت اسد را گزارش کرده، به حزن و اندوه و گریه پیامبر در روز رحلت ان بانو اشاره می‌کند.^{۱۰۷} همچنین به نماز پیامبر بر فاطمه بنت اسد و اعمال پیامبر در دفن ایشان می‌پردازد.^{۱۰۸} او از مناقب و فضائل فاطمه بنت اسد سخن به میان می‌آورد و در این باره احادیثی نقل می‌کند. همچنین، به حدیثی از امام صادق علیه السلام در توسل به فاطمه بنت اسد اشاره می‌کند.^{۱۰۹} در پایان، محل قبر شریف فاطمه بنت اسد را معرفی کرده و می‌گوید:

از دیگر ویژگی‌های فاطمه بنت اسد آن است که در حق این بانو زیارت ویژه‌ای وارد شده است.

۲۲. ایمان ابوطالب، اثر شیخ کمیل نصر

شیخ کمیل نصر از شخصیت‌های برجسته فرقه یکتاپرست دُرُوزی‌های سوریه است. سرآغاز این نگاشته سخن از ایمان راستین و ارزش آن و همچنین مؤمنانی است که دغدغه‌داران وظایف دینی

۱۰۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۱.

۱۰۴. کنز القوائد، ج ۱، ص ۲۵۲.

۱۰۵. الامالی، ص ۷۰۶.

۱۰۶. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۰.

۱۰۷. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۷۰.

۱۰۸. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۶۶.

۱۰۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

و دعوتگران به سوی خدا و پارسایی هستند. یکی از این مؤمنان ابوطالب بن عبدالمطلب است. نویسنده توصیه ابوطالب به پیروی از پیامبر در لحظات آخر عمر و نیز برتافتن آزار و اذیت قریش را بر پایه ایمان ثابت و اقرار ابوطالب به هر آنچه محمد برای همه بشر به ارمغان آورده، می‌داند. او سخن از بی‌ایمانی ابوطالب را نادیده‌گرفتن سخنان پیامبر و پیروی کورکورانه عده‌ای، از پیشینیان خود می‌داند و سپس روایتی از پیامبر در اثبات ایمان ابوطالب ذکر می‌کند. همچنین، می‌گوید اهل بیت همگی هم‌سخن‌اند که ابوطالب مسلمان و مؤمن در گذشته است. شیخ کمیل نصر، دلیل دیگر بر ایمان ابوطالب را دفاع او از اسلام به شیوه تقیه و احتیاط می‌داند. در ادامه با ذکر حدیثی از ابوبکر و عباس بن عبدالمطلب^{۱۱۰} می‌گوید:

دلیل پافشاری متعصبان در تهمت شرکت ابوطالب چیزی جز دشمنی با پسرش علی نبود تا این اندیشه گسترش یابد که علی، کافرزاده است.

نگارنده در پایان توصیه‌های اخلاقی برای خوانندگان می‌نویسد.

۲۳. ابوطالب مسلمان پیش از اسلام، اثر شیخ غزال غزال

مفتی شیخ غزال غزال پس از کسب کارشناسی الاهیات از دانشگاه بین‌المللی علوم اسلامی لندن، مفتی، خطیب، آموزش‌گر و امام جماعت مسجد امام باقر (علیه السلام) در منطقه لاذقیه می‌شود. از نوشته‌های او «وسائل المعرفة فی القرآن و السنة» است. وی ابتدا ابوطالب را مسلمانی معرفی می‌کند که در اعتقاد و اسلام، کوهی استوار است. سپس فضائلی از او همچون رهبری، سروری، دلاوری، دلیری، و دانایی را ذکر می‌کند. شیخ غزال ابوطالب را بر آیین ابراهیم و دین محمد می‌داند و اشعاری از او نقل می‌کند که به گفته وی درباره عصمت در گفتار پیامبر اکرم و اعتراف به یگانگی خدا^{۱۱۱} و اعتراف به برتری اسلام بر دیگر ادیان^{۱۱۲} است. وی در ادامه به حمایت‌های بی‌دریغ ابوطالب از اسلام و تشویق فرزندان و برادر خود، حمزه، به حمایت از پیامبر و همراهی با او اشاره می‌کند و در این باره اشعاری از ابوطالب می‌آورد.^{۱۱۳} همچنین، به دعوت ابوطالب از پادشاه حبشه اشاره کرده، شعر ابوطالب خطاب به نجاشی را نقل می‌کند.^{۱۱۴} در پایان، می‌گوید:

ابوطالب بر آیین ابراهیم و حنیف و مسلمان بود و به هیچ روی در شمار کافران قرار نداشت.

۱۱۰. الغدیر، ج ۷، ص ۳۷۰-۴۰۱.

۱۱۱. نبل المطالب فی مظلومیة ابي طالب، ص ۳۴.

۱۱۲. الغدیر، ج ۷، ص ۴۵۰.

۱۱۳. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۸۱.

۱۱۴. اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۵.

۲۴. شخصیت ابوطالب، اثر شیخ حسن طراد العاملی

شیخ حسن طراد العاملی، مجتهد سخن‌سرا و نویسنده‌ای است که در حوزه نجف به کسب درجه اجتهاد در فقه و اصول موفق شد. از جمله نگاشته‌های او «مجموعه الاحادیث الدینیة»، «فلسفة الصیام فی الاسلام» و «فلسفة الصلاة فی الاسلام» است. نویسنده ابتدا به حمایت ابوطالب از رسالت نبوی و یاری او به پیامبر و نیز شکیبایی ابوطالب و رنج‌ها و سختی‌ها، به‌ویژه در شعب ابوطالب، اشاره می‌کند. سپس به پاکی و یکتاپرستی نیای ابوطالب تا حضرت آدم علیه السلام اشاره می‌کند و می‌گوید:

این واقعیت از احادیث صحیح دریافت می‌شود.

او با اثبات عصمت حضرت علی علیه السلام می‌گوید:

ناگزیر باید پدر و مادر او نیز تا نیای نخست در زنجیره نیکوتباران

باشند.

وی سپس گواهی‌ها بر ایمان ابوطالب را ذکر می‌کند، از جمله پیش‌کش کردن فرزندش به رسول خدا که نگارنده آن را قوی‌ترین گواه و دلیل بر ایمان ابوطالب می‌داند. همچنین، توصیه به فرزندش جعفر به همراهی پیامبر در نماز را دلیل دیگری می‌شمرد. دلیل دیگر اینکه، پیامبر، فاطمه بنت اسد، همسر ابوطالب را نزد ابوطالب نگه داشت و طلاقش را از وی نگرفت. نگارنده ذیل عنوان «شواهد گفتاری در ایمان ابوطالب»، آیات، روایات، اشعار و سخنانی درباره ایمان ابوطالب ذکر می‌کند. وی آیه «وَالَّذِينَ آوَاوْا وَنَصَرُوا أَوْلَیْکَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا»^{۱۱۵} را دلیل آشکار و منطبق بر ابوطالب می‌داند و ذیل آن احادیثی از امام باقر علیه السلام^{۱۱۶} و امام رضا علیه السلام^{۱۱۷} در ایمان ابوطالب بیان می‌کند. همچنین، سخنان و اشعاری از ابوطالب ذکر می‌کند و آنها را شاهد ایمان وی می‌داند. از آن جمله توصیه‌های ابوطالب به فرزندان عبدالمطلب در پیروی از پیامبر است. شیخ حسن طراد اندوه فراوان پیامبر در از دست دادن عمویش را نیکوترین گواه و شاهد بر یکتاپرستی ابوطالب می‌داند و می‌گوید: نابخردانه است که پیامبر برای رحلت فردی مشرک چنین اندوهناک شود. سپس، درس‌های تربیتی همچون بینش و اخلاق ابوطالب در راه حقیقت و عمل و ایثار او را از سیره ایشان بیان می‌کند. در پایان، ضمن اشاره به کتاب‌های فراوان نگاشته‌شده درباره ایمان این بزرگ‌مرد، کتاب‌های «ابوطالب مؤمن قریش» نوشته عبدالله خنیزی و «بطل الاسلام» نوشته عرفی را یاد می‌کند.

۱۱۵. الانفال: ۷۴.

۱۱۶. شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۶۸.

۱۱۷. الغدير، ج ۷، ص ۳۹۵.

۲۵. سخنان صحابه درباره ابوطالب، اثر محمد رضا طبسی نجفی

محمد رضا طبسی نجفی از علمای معاصر است که از محضر استادانی همچون شیخ عبدالکریم حائری، میرزای نائینی، آقا ضیاء عراقی و ... استفاده کرده و دارای ۶۰ اجازه اجتهاد و نقل حدیث است. در فقه، اصول، کلام، تفسیر، تاریخ، ادب، حدیث و دعا نگاشته‌هایی دارد. وی در این نگاشته اعتراف برخی صحابه و افراد را بر ایمان ابوطالب بیان می‌کند و از افرادی همچون عباس بن عبدالمطلب،^{۱۱۸} عبدالله بن عباس،^{۱۱۹} ابوبکر،^{۱۲۰} ابوذر غفاری^{۱۲۱} و مامون عباسی^{۱۲۲} یاد می‌کند و ذیل نام هر کدام از اینها اعتراف‌ها، احادیث و گزارش‌های تاریخی بیان می‌کند. سپس با مخاطب قراردادن ابن‌هشام که در السیره النبویه می‌گوید: «ابوطالب کافر و خدانا باور مرده است.»^{۱۲۳} می‌نویسد:

چگونه این حرف شما با این سخن شما جمع می‌شود که می‌گویید ابوطالب برای رسول خدا بازو و پناهگاه بوده و او را در برابر قوش پاس می‌داشت؟

همچنین خطاب به مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ شلبی (محققان سیره ابن‌هشام) که در حاشیه جلد دوم السیره النبویه می‌نویسند: «اخبار صحیح ثابت می‌کند که ابوطالب بر کفر و شرک در گذشته است.» می‌گوید:

چگونه این امر بر شما آشکار شده، در حالی که سخنان دانشمندان پیشین شما ایمان ابوطالب را ثابت می‌کند؟
وی، در پایان، علت حکم کردن برخی به بی‌ایمانی ابوطالب را این می‌داند که او پدر علی علیه السلام بوده است.

۲۶. ایمان ابوطالب حقیقتی شبهه‌زدا، اثر یوسف مزاحم

نگارنده در آغاز به اختلاف آرا درباره ایمان ابوطالب اشاره می‌کند و احادیث استنادی باورمندان به کفر ابوطالب را در برابر تحقیق علمی بسیار ضعیف می‌داند. سپس توصیفات درباره ابوطالب و

۱۱۸. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۵۸.

۱۱۹. الامالی للصدوق، ص ۴۹۱.

۱۲۰. الامالی للصدوق، ص ۴۹۱.

۱۲۱. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۷۸.

۱۲۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۷۴.

۱۲۳. السیره النبویه، ج ۲، ص ۵۷-۵۸.

عبدالمطلب بیان می‌کند و برای آگاهی بیشتر درباره عبدالمطلب پژوهشگران را به دو کتاب «السیرة الحلبیة» و «بلوغ الارب» ارجاع می‌دهد. یوسف مزاحم در ادامه دلایلی بر ایمان ابوطالب می‌آورد و آنها را در سه بخش «سخنان»، «سروده‌ها» و «دلایل دیگر» قرار می‌دهد. در بخش سخنان، به کلماتی از ابوطالب اشاره می‌کند که ثابت‌کننده ایمان اوست؛ همچون توصیه‌های ابوطالب در هنگام مرگ به قریش در همراهی کردن با پیامبر.^{۱۲۴} در بخش سروده‌ها نیز اشعاری می‌آورد که حکایت از ایمان ابوطالب دارد، اشعاری همچون توصیه ابوطالب به حضرت علی علیه السلام، جعفر و حمزه در همراهی با پیامبر و دعوت از نجاشی، پادشاه حبشه، به اسلام.^{۱۲۵} در بخش دلایل دیگر به سخنان شیخ مفید پس از نقل ماجرای غسل، حنوط و کفن ابوطالب به دست حضرت علی علیه السلام و به دستور پیامبر اکرم اشاره می‌کند و به نقل از شیخ مفید می‌گوید:

در این حدیث دو دلیل بر ایمان ابوطالب هست: دستور پیامبر به حضرت علی علیه السلام تا احکام مسلمانان را بر ابوطالب جاری کند و دعای خیر پیامبر در حق ابوطالب.

۲۷. ابوطالب مؤمن شجاع، اثر حسن محمد انصاری

حسن محمد انصاری، روزنامه‌نگار کویته و مهندس نرم‌افزار کامپیوتر از دانشگاه وسترن میشیگان امریکا است. وی ابتدا ابوطالب را مؤمن قریش و حامی راستین اسلام معرفی می‌کند که کافران همان‌گونه که با فرزند او و نوادگانش ستیز کردند، او را نیز نسبت کفر دادند. سپس، به نقش پدرانه ابوطالب برای پیامبر اشاره می‌کند و سرپرستی او از پیامبر را تقدیر الاهی و تغییرناپذیر می‌داند که فقط ابوطالب به آن دست یافته است. در ادامه، به اوصافی از ابوطالب همچون فرزندی، پایی، صفا در پرتو اخلاق، کرم، شکیبایی، ایمان و ... اشاره می‌کند و اشعاری را از او نقل می‌کند که حکایت از ایمان وی دارد. در پایان، حقیقت اسلام و ایمان ابوطالب را به سان پرتوی تابنده و نوری روشن‌گر همچنان باقی می‌داند.

۲۸. کتاب‌شناسی درباره ابوطالب و تبار طالبیان

به نویسنده این اثر در کتاب اشاره نشده است. این نگاشته کتاب‌هایی را درباره شخصیت و زندگی ابوطالب، فرزندان، ذریه، نسل و تبار او معرفی و عنوان و اطلاعات ۲۳۷ کتاب را گردآوری کرده است. ترتیب این نگاشته‌ها بر اساس حروف الفبا است. در معرفی کتاب‌ها ابتدا به عنوان کتاب اشاره شده و بعد از آن نام نویسنده و منبعی که از آن نقل شده، آمده است، مثلاً «اخبار ابی طالب و ولده» اثر علی محمد بن عبدالله بن ابی سیف مدائنی (فهرست ابن ندیم، ص ۱۱۴-۱۱۶). برخی از

۱۲۴. ابوطالب مؤمن قریش، ص ۲۱۰-۲۱۱.

۱۲۵. ابوطالب مؤمن قریش، ص ۱۶۱.

نگاشته‌های معرفی شده فقط به ابوطالب و فرزندان او پرداخته‌اند و برخی به صورت کلی از حضرت آدم ع تا ائمه ع را در بر می‌گیرند، چنانچه برخی به نسب‌شناسی گروه یا طایفه خاصی می‌پردازند.

۲۹. کتاب‌نامه ابوطالب، اثر سید عبدالله صالح عبدالله موسوی منتفکی

موسوی منتفکی، زاده ۱۹۶۳ میلادی، در مجلاتی از کشورهای دمشق، لبنان و هلند مقالاتی منتشر کرده است. همچنین، نگاشته‌های دیگری در مباحث اسلامی دارد، از جمله «جامع الصور للعلماء و الادباء» که مقدمه‌ای است بر کتاب «حیة زینب الکبری ع» نوشته سید عبدالحسین دستغیب.

نگارنده ابتدا سخنانی درباره تمدن، فرهنگ و بنیاد فرهنگ اسلامی بیان می‌کند. سپس به مسأله ایمان می‌پردازد و بر پایه حدیثی از امام رضا ع نشانه‌های ایمان را گواه قلبی، زبانی و ارکانی می‌داند.^{۱۳۶} سپس این پرسش را مطرح می‌کند که آیا ابوطالب مؤمن بوده یا خیر؟ او در پاسخ می‌گوید:

سخنان ابوطالب، اعم از سروده‌ها و نثر، با رفتارش همسویی دارد و همین، خود گواه ایمان و باور بارور اوست.

در ادامه، به یکتا پرستی ابوطالب و آگاهی او از احوالات پیامبر و بشارت‌های دال بر بعثت ایشان پیش از بعثت اشاره می‌کند. همچنین، به کتاب‌نامه ابوطالب اشاره می‌کند که به گفته خود، آن را از جلد اول «معجم المصنّفات و المصنّفین حول ابی‌طالب» از «الموسوعة الاسلامية فی ابی‌طالب» برگرفته است. وی این کتاب‌نامه را به ده بخش تقسیم کرده و در هر بخش، تعدادی کتاب ذکر می‌کند و کتاب‌های مذکور در هر بخش را از حیث عنوان و نام نویسنده، وضعیت چاپ (خطی، سنگی، چاپی) و اطلاعات کتاب‌شناسی معرفی می‌کند، که به شرح ذیل است:

- بخش اول: نگاه‌هایی درباره ابوطالب و زدودن شبهه کفر از او. نگارنده در این بخش ۶۵ نگاه‌ها درباره ایمان ابوطالب را معرفی می‌کند.
- بخش دوم: نگاه‌های پیروان چهار مذهب درباره ایمان ابوطالب و ادب او. منتفکی در این قسمت ۲۸ نوشته را از پیروان مذاهب چهارگانه اهل سنت درباره ابوطالب ذکر می‌کند. برخی از کتب بیان شده در این بخش در بخش اول نیز آمده است، همچون «اسنی المطالب فی نجات ابی‌طالب» اثر زینی دحلان و «اسنی المطالب فی ایمان ابی‌طالب» اثر برزنجی.
- بخش سوم: درباره تاریخ زندگی ابوطالب و پشتیبانی او از اسلام. در این قسمت ۲۵ کتاب معرفی شده است.
- بخش چهارم: نگاه‌هایی درباره مناقب و اخلاق پسندیده ابوطالب. نویسنده در این بخش به ۷ نگاه‌ها اشاره می‌کند.

۱۳۶. الخصال، ج ۱، ص ۱۷۹.

- بخش پنجم: روایات و بازگفته‌های ابوطالب از رسول خدا ﷺ. نگارنده در این بخش به کتاب «الروض النزیه فی الاحادیث التی رواها ابوطالب عمّ النبی عن ابن‌اخیه» اشاره کرده که دربردارنده احادیث پیامبر به گزارش ابوطالب است.
- بخش ششم: دیوان ابوطالب (جمع، شرح، تحقیق). در این قسمت ۱۷ نوشته درباره اشعار ابوطالب معرفی شده است.
- بخش هفتم: شرح قصیده لامیه ابوطالب. نویسنده در این بخش پنج نگاشته در شرح قصیده لامیه معروف ابوطالب ذکر می‌کند.
- بخش هشتم: پژوهش‌هایی درباره ادب ابوطالب. در این قسمت هفت نوشته معرفی شده که به جنبه‌های ادبی در سخن ابوطالب پرداخته‌اند.
- بخش نهم: ابوطالب در شعر اسلامی. این بخش شامل معرفی چهار نوشته درباره اشعار سروده‌شده با موضوع ابوطالب است.
- بخش دهم: نگاشته‌های ترجمه‌شده درباره ابوطالب به دیگر زبان‌ها. منتفکی در این بخش هشت نگاشته ترجمه‌شده به زبان‌های فارسی و اردو درباره ابوطالب را معرفی کرده است. نویسنده در پایان، بخشی تحت عنوان «بخش یازدهم: محمد رسول در خانه ابوطالب» به ده بخش گذشته افزوده و ذیل آن، دو کتاب معرفی می‌کند. مجموعه کتب یادشده در این نوشته ۱۷۸ کتاب است.

۳۰. پیوست‌ها

نویسنده کتاب درفش یکتاپرستی پس از پایان مطالبی که از نگاشته‌های مختلف، گردآوری نمود، قسمتی را با عنوان پیوستها قرار داده که در آن به ۱۹ نگاشته درباره ابوطالب به زبان‌های فارسی، اردو و انگلیسی اشاره شده است. از این تعداد نه نوشته مقالاتی است که در مجله‌های مختلف چاپ شده‌اند. سپس متن زیارت قبر ابوطالب در مقبره المعلى را آورده و به استحباب خواندن آن تصریح می‌کند. این زیارت‌نامه با عبارت «السلام علیک یا سید البطحاء» آغاز می‌شود.

جمع‌بندی

از دیرباز نوشته‌های بسیاری درباره حضرت ابوطالب نگاشته‌اند. از جمله مسائلی که در این نگاشته‌ها بیشتر به آن پرداخته شده، سخن از ایمان و بی‌ایمانی حضرت ابوطالب است. یکی از این نوشته‌ها، کتاب ابوطالب درفش یکتاپرستی است. این کتاب به گردآوری تعدادی از کتاب‌ها و مقالات نویسندگان شیعه و سنی پرداخته که در موضوع ایمان حضرت ابوطالب نوشته شده‌اند. از مهم‌ترین آثار مذکور در این کتاب می‌توان به کتاب «اسنی المطالب فی نجات ابی‌طالب» نوشته احمد بن زینی دحلان شافعی، کتاب «ابوطالب مؤمن قریش» نوشته عبدالله خیزی، «رساله درباره ایمان ابوطالب»

نوشته شیخ مفید و «کتاب‌نامه ابوطالب» نوشته سید عبدالله صالح عبدالله موسوی منتفکی اشاره کرد. در این مقاله به معرفی این نگاشته‌ها و گزارشی از محتوایشان پرداختیم.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابوطالب شیخ بنی‌هاشم، سید الاهل، عبدالعزيز، بیروت: بی‌نا، ۱۳۷۱ق.
۳. ابوطالب مؤمن قریش، خنیزی، عبدالله بن علی، قم: حبیب، ۱۳۸۸ق.
۴. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد نمری (ابن عبدالبر)، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
۵. الاسد الغابة فی معرفة الصحابة، ابن‌اثیر جزری، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
۶. اسنی المطالب فی نجاته ابی‌طالب، دحلان شافعی، احمد بن زینی، عمان: دار الامام النووی، ۱۴۲۸ق.
۷. الاصابة فی تمييز الصحابة، ابن‌حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی بن محمد بن احمد، بیروت: دار الکتب العلمية، ۱۴۱۵ق.
۸. اعلام الوری باعلام الهدی، طبرسی، فضل بن حسن، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ش.
۹. الامالی، صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، تحقیق و نشر: قسم الدراسات الاسلامیه، قم: مؤسسه البعثة، الطبعة الاولى، بی‌تا.
۱۰. الامالی، طوسی، محمد بن حسن، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۱. الامام علی صوت العدالة الانسانیة، جرداق، جرج سمعان، ایران: ذوی‌القربی، ۱۳۸۱ق.
۱۲. اوائل المقالات فی المذاهب والمختارات، مفید، محمد بن محمد بن نعمان، قم: دار التفسیر، ۱۳۹۵ق.
۱۳. ایمان ابی‌طالب: الحججة علی الذاهب الی کفر ابی‌طالب، الموسوی، فخار بن معد، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۱۰ق.
۱۴. بحار الانوار، مجلسی، محمدباقر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۵. البداية والنهاية، ابن‌کنیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
۱۶. تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس، دیار بکری، حسین بن محمد، بیروت: دار صادر، بی‌تا.
۱۷. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۳ق.
۱۸. التبیان فی تفسیر القرآن، طوسی، محمد بن حسن، مصحح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، بی‌تا.
۱۹. تذکرة الخواص من الامة فی ذکر خصائص الائمة، ابن‌جوزی، یوسف بن قزاوغلی، قم: المجمع العالمی لاهل البيت (علیهم‌السلام)، ۱۴۲۶ق.
۲۰. تفسیر القرآن العظیم، ابن‌کنیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، بیروت: دار الکتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق.

٢١. تهذيب التهذيب، ابن حجر عسقلاني، ابوالفضل احمد بن على بن محمد بن احمد، هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية، ١٣٢٦ق.
٢٢. الجامع لاحكام القرآن، قرطبي، عبدالله محمد بن احمد، تهران: ناصر خسرو، ١٣٦٤ش.
٢٣. الخصال، صدوق، ابوجعفر محمد بن على بن الحسين، محقق: على اكبر غفارى، قم: جامعه مدرسین، ١٣٦٢ش.
٢٤. زهر الاداب و ثمر الالباب، خُصرى، ابراهيم بن على، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٧ق.
٢٥. السيرة النبوية، ابن هشام حميرى، عبدالملكه تحقيق: محمد محيى الدين عبدالحميد، قاهرة: مكتبة محمد على صبيح و اولاده، الطبعة الاولى، ١٣٨٣ق.
٢٦. شرح نهج البلاغة، ابن ابى الحديد، عبدالحميد بن هبة الله، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، ١٤٠٤ق.
٢٧. شواهد التنزيل لقواعد التفضيل حسانى، عبيدالله بن عبدالله، تحقيق: محمد باقر محمودى، تهران: التابعة لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامى، ١٤١١ق.
٢٨. صحيح البخارى، بخارى، محمد بن اسماعيل، مصورة عن السلطانية باضافة ترقيم محمد فؤاد عبدالباقي، بى جا: دار طوق النجاة، الطبعة الاولى، ١٤٢٢ق.
٢٩. صحيح مسلم، القشيري النيشابورى، مسلم بن الحجاج، المحقق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا.
٣٠. الصحيح من سيرة النبى الاعظم ﷺ، عاملى، جعفر مرتضى، قم: دار الحديث، الطبعة الاولى، ١٤٢٦ق.
٣١. الطبقات الكبرى، ابن سعد الهاشمى، ابو عبدالله محمد بن سعد بن منيع، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى، ١٤١٠ق.
٣٢. الطرائف فى معرفة مذاهب الطوائف، ابن طاووس، على بن موسى، قم: خيام، ١٤٠٠ق.
٣٣. الغدير فى الكتاب والسنة والادب، امينى، عبدالحسين، قم: مركز الغدير للدراسات الاسلامية، ١٤١٦ق.
٣٤. فتح البارى شرح صحيح البخارى، ابن حجر عسقلاني، ابوالفضل احمد بن على بن محمد بن احمد، بيروت: دار المعرفة، ١٣٧٩ق.
٣٥. الفتنة الكبرى، حسين، طه، قاهره: دار المعارف، بى تا.
٣٦. قرب الاسناد، حميرى، عبدالله بن جعفر، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ، ١٤١٣ق.
٣٧. الكافى، كلينى، محمد بن يعقوب، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران: دار الكتب الاسلامية، الطبعة الخامسة، ١٤٠٧ق.
٣٨. الكامل فى التاريخ، ابن اثير جزرى، عزالدين ابوالحسن على بن محمد، بيروت: دار صادر، ١٣٨٥ق.
٣٩. الكراچكى، محمد بن على بن عثمان، كنز الفوائد، قم: دار الذخائر، ١٤١٠ق.
٤٠. الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، زمخشرى، ابوالقاسم محمود بن عمرو، بيروت: دار الكتاب العربى، ١٤٠٧ق.
٤١. كمال الدين و تمام النعمة، صدوق، ابوجعفر محمد بن على بن الحسين، محقق: على اكبر غفارى، تهران: اسلاميه، ١٣٩٥ش.

۴۲. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، قم: دار بیدار للنشر، الطبعة الاولى، ۱۳۶۹ق.
۴۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن حسن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۴۴. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، هیشمی، ابوالحسن نورالدین علی بن ابی بکر، قاهرة: مكتبة القدسی، ۱۴۱۴ق.
۴۵. المختصر فی اخبار البشر: تاریخ ابی الفداء، ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل بن علی، مصر: المطبعة الحسينية المصرية، بی تا.
۴۶. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۴۷. معجم القبور، موسوی اصفهانی، محمد مهدی، بغداد: عبدالعزیز الدباس، ۱۳۵۸ق.
۴۸. المعجم الكبير، طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، القاهرة: مكتبة ابن تیمیة، ۱۴۱۵ق.
۴۹. من لا يحضره الفقيه، صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، محقق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۵۰. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، قم: علامه، ۱۳۷۹ش.
۵۱. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ذهبی، شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ق.
۵۲. نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، شبلنجی، محمد محمد حسن شراب، دمشق: دار القلم، دار الشامیة، بی تا.
۵۳. نهج البلاغة، شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق/ مصحح: صبحی صالح، قم: هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۵۴. نیل المطالب فی مظلومية ابی طالب، عفراوی، علی، بیروت: دار المحجة البيضاء، ۱۴۲۶ق.